

نبرد خلق

برای اعزام یک هیأت تحقیق
بین المللی برای شناسایی
عاملان و آمران قتل‌های سیاسی
زنجیره ای تلاش کنیم.

کارگران همه کشورها
متحد شوید

ارگان سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران

آمریکا کانادا ۱ دلار، آلمان ۲ مارک، فرانسه ۷ فرانک
NABARD - E - KHALGH No 177. 20 Feve 2000

شماره ۱۷۷ دوره چهارم سال شانزدهم - اول اسفند ۱۳۷۸
\$ 1 , 2 DM , 7 F

۸ مارس روز جهانی زن گرامی باد

بیانیه به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز قیام سیاهکل

در صفحه ۲

ویژه ۸ مارس -
نگاهی کوتاه به کارنامه
دولت خاتمی و مجلس پنجم
رژیم در مورد حقوق زنان
- آشنایی با برخی از زنان
پیشرو قرن بیستم
- زنان و قوانین ضد بشری
حاکم بر ایران
- دگرگونی در دنیای اسلام
و تأثیر آن بر خانواده،
جامعه و زنان
در صفحه ۹، ۸، ۷ و ۱۰

یادداشت سیاسی
- مهدی سامع
سرانجام روز ۲۹ بهمن،
انتخابات ششمین دوره مجلس
ارتجاع تحت شدیدترین کنترلها
برگزار شد. آخوندها در این
انتخابات تمام استعداد خود در
حقه بازی، دروغ گویی و توطئه
گری را به کار انداختند تا به
جهانیان بگویند که «جمهوری
اسلامی» در حال تغییر است.
بوی این تغییر البته با سس نفت
هم به مشام خانم البرایت رسید
و هم به ملکه مهد شوق دیدار ولی
امیر «مسلمین» جهان دست داد.
در حالی که هیچ منبع و نهاد
مستقل بین المللی بر این
انتخابات نظارت مستقیم
نداشت، وزارت کشور رژیم زیر
کنترل کامل «شورای عالی امنیت
ملی» و در توافق کامل با
«شورای نگهبان»؛ و «دفتر
خامنه ای» دست به رقم سازی
شیادانه زده و مدعی شده که
بیش از ۸۵ درصد صاحبان حق
رای در این انتخابات شرکت
کرده اند. وزارت کشور در اولین
اظهار نظر خود مدعی شد که
۷۱ درصد صاحبان حق رای در
انتخابات قبلی مجلس شرکت
کرده اند و در این انتخابات
حدود ۷۵ درصد شرکت کرده
اند. اما پس از بازار گرمی
جهانی، به ویژه پس از اظهار
نظر خانم البرایت، آخوندها به
این فکر افتادند که در این آشفته
بازار قیمت خود را بالا برده و
مدعی شوند که درصد شرکت
کنندگان در این انتخابات،
بیشتر از شرکت کنندگان در
انتخابات دوم خرداد سال ۱۳۷۶
که منجر به انتخاب خاتمی
شد، بوده است. و این در حالی
است که تاکنون (بعد از عصر
شنبه ۳۰ بهمن که این یادداشت

نوشته می شود) وزارت
کشور خاتمی رقم شرکت
کنندگان را اعلام نکرده است.
البته این دروغ بزرگ گر
چه برای دردهای بی درمان رژیم
ولایت فقیه می تواند نقش مرفین
را بازی کند، اما نمی تواند در
واقعیت آن چه در حال وقوع
است و ما در یادداشت سیاسی
شماره قبل نبرد خلق آن را
تحلیل کردیم تغییری حاصل
کند. در مورد اکثر کسانی که در
این نمایش انتخاباتی شرکت
کردند، بهترین اظهار نظر را یک
پسر جوان نمود. او در روز شنبه
۳۰ بهمن به گزارشگر بخش
فارسی رادیو بین المللی فرانسه
گفت که: ما در این انتخابات
شرکت نکردیم که کسی یا
لیستی را تایید کنیم. ما برای
این شرکت کردیم که بگویم چه
کسانی را نمی خواهیم (نقل به
مضمون). بنابراین با تاکید باید
گفت اکثریت آن کسانی هم که
در این انتخابات شرکت کردند
نه به خاطر تایید جناح خاتمی
بلکه برای ابراز تنفر به
خامنه ای و رفسنجانی وارد این
بازی شدند. از این نکته که
بگذریم انجام این اقدام و عملکرد
جناح خامنه ای در جریان
تدارک و انجام این انتخابات،
آنان را با شتاب هر چه بیشتری
به باتلاقی فرو برد که خامنه ای
هر چه در آن بیشتر دست و پا
بزند، بیشتر در آن فرو می رود.
خامنه ای و جناح طرفدار او
وقتی وارد بازی با کسارت
رفسنجانی شدند، درصد بودند
تا از یک شکست مفتضحانه
جلوگیری کنند. اما رفسنجانی
که قرار بود کشتی طوفان زده و
سورخ سورخ شده ولایت را
نجات دهد، اکنون چنان ضربه
سختی خورده که فقط در یک

پیام سازمان چریک‌های فدایی خلق ایران به کارگران و مزدبگیران ایران

در صفحه ۲

در رسانه های جمعی -
- اخبار سرکوب و ترور
- اخبار دانشجویی
- اخبار قتل‌های سیاسی
زنجیره ای
در صفحه ۳ و ۴
در گوشه و کنار جهان
در صفحه ۱۳
ادبیات ایران
در هزاره دوم
نگاهی به گذشته و اشاره ای
به هزار سال مبارزه فرهنگی
در صفحه ۱۴

یادداشت و گزارش

صفحه ۵

پنجره

صفحه ۶

در فقدان نادر نادرپور
درگذشت نادر نادرپور،
شاعر و نویسنده زبردست را
به خانواده، دوستان و جامعه
هنری ایران تسلیت
می گویم.

بیست و نهمین سالگرد
حماسه سیاهکل برگزار شد

سخنرانی سخنگوی سازمان در مراسم
گرامی‌داشت قیام سیاهکل

در صفحه ۱۱، ۱۲ و ۱۳

سرتگون باد رژیم استبدادی- مذهبی ولایت فقیه با تمام دسته بندیهای درونی آن

هرچه گسترده تر باد مبارزه مسلحانه انقلابی



طرح: فرنگیس

بیانیه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به مناسبت ۱۹ بهمن، سالروز قیام سیاهکل

پیام سازمان چریکهای فدایی خلق ایران به کارگران و مزدبگیران ایران

نمایش انتخابات رژیم را تحریم کنید

دسته بندیها و باندهای درونی حکومت درصددند تا با کشتن کارگران و مزدبگیران ایران به نمایش انتخاباتی دوره ششم مجلس ارتجاع از نیروی آنان در جهت اهداف خود سوء استفاده کنند. در حالی که هیچیک از جناحهای حکومتی برای بهبود زندگی فلاکت بار زحمتکشان ایران، گام مؤثری برنداشته اند و در طی دوران حکومت ولایت فقیه، کارگران و مزدبگیران ایران روز به روز فقیرتر و زندگی آنان و خانواده هایشان هر روز فلاکت بارتر شده است، اکنون باندهای درونی رژیم می خواهند آنان را به پای صندوقهای رأی بکشانند. در این میان، حزب اسلامی کار و خانه کارگر که از باندهای تشکیل دهنده «جبهه دوم خرداد» هستند، تلاش می کنند تا کارگران و مزدبگیران را به حمایت هم زمان از رفسنجانی و «جبهه ۲ خرداد» وادار کنند. در حالی که اعتراضهای گسترش یابنده کارگران طی ماههای گذشته نشان می دهد که فریبکاری آخوندهای جنایتکار دیگر اثری در میان کارگران ندارد.

نمایش انتخابات مجلس ششم ارتجاع، هر نتیجه ای که داشته باشد، برای زحمتکشان ایران دستاوردی به جز فقر و فلاکت بیشتر ندارد. زندگی فلاکت بار کارگران و زحمتکشان ایران و نارضایتی عموم آنان از رژیم حاکم آنقدر آشکار است که حتی روزنامه های حکومتی نیز به گوشه ای از این وضع اشاره می کنند. روزنامه ابرار در شماره روز ۲۶ دی ماه خود از قول هفته نامه جبهه می نویسد: «صدا کارخانه به حالت تعطیل و نیمه تعطیل درآمده است، حقوق و مزایای هزاران کارگر ماههاست که پرداخت نشده است و خانواده های این قشر مؤثر با مشکلات عدیده مالی و اقتصادی دست و پنجه نرم می کنند. آمار خودکشی در کارگران بیکار

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران ایران می خواهد که نمایش انتخابات ششمین دوره مجلس ارتجاع را تحریم کنند. ما کارگران و مزدبگیران ایران را به مبارزه متحد و یکپارچه برای سرنگونی نظام استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمام دسته بندیهای درونی آن فرا می خوانیم.

۲ بهمن ۱۳۷۸ / ۲۲

ژانویه ۲۰۰۰

شده افزایش یافته است. به طوری که در یک کارخانه ۱۵ مورد خودکشی گزارش شده است. اجتماعات کوچک و متفرق کارگری در اعتراض به عدم پرداخت حقوق موقه در محیط کارخانجات همه روزه برگزار می شود و گاهی اوقات به صحنه خیابانها و جاده ها نیز کشیده می شود. مناطق کارگرنشین شهرها هر از چندگاهی صحنه ناآرامیها و شورشهای کارگری می شود. در آخرین مورد آن اسلام شهر تهران تا مرز یک شورش همه گیر پیش رفت..... فقر، بیکاری، قوانین ضد کارگری، خفقان سیاسی دولت در مورد کارگران، وعده های بی عمل و اختلاف طبقاتی کارگران با مدیران و دولتمدان و از همه بدتر سانسور شدید رسانه ای اخبار مشکلات کارگری در صدا و سیما و روزنامه های مدافع حقوق مردم، کشور را در آستانه یک بحران کارگری قرار داده است که در صورت عدم حل ریشه ای و سریع آن شاهد انفجاری بزرگ در محیطهای کارگری خواهیم بود که هیچ چیز برای هیچ کس باقی نخواهد گذاشت.

آری، «انفجار بزرگ» فرا خواهد رسید و هیچکدام از باندها و دسته بندیهای درونی رژیم نمی توانند از انفجار ششم کارگران و مزدبگیران ایران جلوگیری کنند.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران از کارگران، زحمتکشان و مزدبگیران ایران می خواهد که نمایش انتخابات ششمین دوره مجلس ارتجاع را تحریم کنند. ما کارگران و مزدبگیران ایران را به مبارزه متحد و یکپارچه برای سرنگونی نظام استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تمام دسته بندیهای درونی آن فرا می خوانیم.

۲ بهمن ۱۳۷۸ / ۲۲

ژانویه ۲۰۰۰

کرده اند. سرکوب جنبشها و خواستههای دموکراتیک و عدالت طلبانه تمامی مردم ایران، سرکوب جنبش زنان برای برابری جنسی و تحمیل ارتجاعی ترین قوانین و اعمال وحشیانه ترین رفتار در مورد زنان کشور ما، تعرض به سطح زندگی و معیشت کارگران و مزدبگیران ایران، سرکوب جنبش ملیتهای ساکن ایران، گسترش زندانها و اعمال شکنجه و اعدام در مورد دهها هزار زن و مرد ایرانی، ترور دهها تن از فعالان سیاسی و فرهنگی در خارج از کشور، قتل عام زندانیان سیاسی در تابستان سال ۱۳۶۷، به قتل رساندن چند صد تن از زنان و مردان کشور ما و منجمله دهها تن از فعالان سیاسی و فرهنگی، سرکوب جنبشهای اجتماعی مردم ایران و منجمله قیام ۶روزه دانشجویان و جوانان ایران در تیرماه گذشته و ... جزئیات بیان رژیم جمهوری اسلامی طی حیات ننگین آن است.

ولایت فقیه، مهمترین و اساسی ترین خصوصیت رژیم حاکم بر کشور ماست که تمامی دسته بندیها و باندهای درون حکومت از آن به عنوان «عمود خیمه نظام» حمایت می کنند. دارو دسته های جنایتکار خامنه ای، رفسنجانی و خاتمی می کوشند تا مبارزه مردم ایران برای آزادی، کثرت گرایی، عدالت اجتماعی و ایجاد یک حکومت غیر مذهبی که خواست مردم ایران طی یک صد سال گذشته بوده را سرکوب کرده و یا آن را در چارچوب جنگ و جدالهای خود برای قدرت گیری بیشتر محدود کنند. در این میان دارو دسته ارتجاعی طرفدار خاتمی که به دروغ خود را «اصلاح طلب» می نامند درصددند تا با کشتن مردم به پای صندوقهای رأی برای انجام نمایش انتخاباتی ششمین دوره مجلس ارتجاع، از مردم به عنوان نزدیکان ترقی خود و شریک شدن بیشتر در

قدرت سوء استفاده کنند. اینان که در گذشته از گردانندگان اصلی سیاست سرکوب و جنگ بوده و چند صد هزار تن از جوانان کشور ما را به میدانهای جنگ ارتجاعی اعزام و یا در زندانها به شهادت رسانده اند، اکنون برای مقابله با ولایت خامنه ای، می خواهند با ادعای دروغین «اصلاح طلبی» از جوانان کشور ما برای اهداف ارتجاعی خود سوء استفاده کنند. ما در آستانه سی امین سالروز قیام سیاهکل و در آغاز بیست و دومین سالروز سرنگونی رژیم محمدرضا شاه، اعلام می کنیم که مبارزه مردم ایران برای آزادی، کثرت گرایی، عدالت، صلح و جدایی دین از دولت هرگز نمی تواند به وسیله هیچ یک از جناحهای رژیم مورد سوء استفاده قرار گیرد و این مبارزه تا سرنگونی رژیم استبدادی و مذهبی ولایت فقیه و تحقق دموکراسی، استقلال، صلح، پیشرفت، عدالت و ... ادامه خواهد یافت.

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران در آستانه سی امین سالگرد قیام سیاهکل به تمامی زنان و مردان ایران که برای آزادی، دموکراسی، نابودی ستم جنسی، مذهبی و ملی، صلح و پیشرفت، عدالت و جدایی دین از دولت مبارزه می کنند درود می فرستد و خاطره تمامی کسانی که طی صد سال گذشته در راه تحقق خواستههای ترقیخواهانه مردم ایران به شهادت رسیدند را گرامی می دارد.

ما مردم ایران را به گسترش هر چه بیشتر مبارزه علیه رژیم حاکم، به تلاش برای پیوند با جنبش مقاومت مسلحانه و به تحریم کامل نمایش انتخابات رژیم فرا می خوانیم.

سازمان چریکهای فدایی

خلق ایران

بهمن ۱۳۷۸

در رسانه های جمعی —

سرکوب و ترور

روزنامه کیهان ۳۰ دی: چهار تن از محکومان دادگاههای جنایی که به اتهام قتل محاکمه و محکوم شده بودند روز گذشته در زندان قصر به چوبه دار آویخته شدند. نخستین محکوم علیرضا ترفیخواه بود که به جرم قتل اصغر خواجه وند جوان ۲۴ ساله در شعبه ۱۶۰۸ مجتمع امور جنایی به قصاص نفس محکوم شد. دومین محکوم محمد بیگی بود که در سال ۷۵ به اتهام قتل نامادری خود به نام فاطمه کاظمی به قصاص نفس محکوم شد. سومین نفر نورخدا محمودی است که به جرم قتل یکی از سربازان نیروی انتظامی در اطراف بازارچه حضرت علی ابن ابی طالب به نام عبدالرضا بهمنی به قصاص نفس محکوم و به دار مجازات آویخته شد.

خبرگزاری فرانسه ۳۰ دی: روزنامه های امروز ایران خبر دادند که روز چهارشنبه انگلستان دست ۷ دزد را یکجا قطع کرده اند و ۴ نفر دیگر را نیز به دار آویخته اند. روزنامه قدس نوشت، سن این ۷ دزد که در شهر مشهد در شمال غربی ایران قطع عضو شدند، از ۱۸ تا ۵۳ سال بود و انگلستان دستان آنها یکجا و با هم قطع شدند.

خبرگزاری فرانسه ۲ بهمن: پلیس ایران ۱۰ زن جوان را امروز شنبه در یک محله اعیان نشین شمال تهران به دلیل نقض قوانین خشک اسلامی مربوط به پوشش لباس، در یک اقدام کمیاب دستگیر نمود. خبرنگار خبرگزاری فرانسه که در صحنه حضور داشت و دستگیری را در خیابان احمد قصیر واقع در شمال تهران به چشم خود دیده بود، گفت، این زنان جوان که اکثراً توالست کرده و روسری خود را به طوری که تمام موهایشان را نمی پوشاند، به سر کرده بودند، به زور وادار شدند سوار یک مینی بوس شوند. چند تن از این زنان در عقب مینی بوس، در حالی که با پلیس حرف می زدند، گریه می کردند.

خبرگزاری ایران ۴ بهمن: دبیر ستاد مبارزه با مواد مخدر ایران محمد فلاح گفت دستگیری ۲۵۰ هزار نفر در ارتباط با تهیه و قاچاق مواد مخدر و مشروبات الکلی در سال جاری، از عمده ترین فعالیت های این ستاد است.

روزنامه اطلاعات ۵ بهمن: عاملان قتل دکتر پرتوی به اعدام محکوم شدند. به گزارش خبرنگار ما، احسان و محمد به اتهام قتل دکتر پرتوی در شعبه ۱۶۰۳ دادگاه جنایی تهران محکوم شدند. این دو جوان ۱۹ ساله متهم هستند که به قصد سرقت و قتل وارد منزل دکتر پرتوی در جماران شده و با ضربات چوب دستی وی را به قتل رسانده اند. رسول غنیمتی رئیس دادگاه با توجه به شواهد و اعتراف صریح متهمان، آنها را به قصاص محکوم کرد.

روزنامه همشهری ۷ بهمن: زنی که با همدستی فردی شوهرش را به قتل رسانده

بود در زندان کرمانشاه به دار مجازات آویخته شد همدست این زن نیز به دار آویخته شد.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۸ بهمن: روزنامه حکومتی همشهری روز گذشته نوشت زنی به نام عالیبه مرادی در زندان کرمانشاه به دار آویخته شد. مقامات رژیم ضد بشری آخوندی دو فرزند این زن به نامهای غلامرضا و حمیدرضا را وادار به تماشای صحنه به دار کشیده شدن مادرشان کردند. همزمان مردی به نام فرهنگ مرادی در همین زندان حلق آویز شد.

روزنامه رسالت ۷ بهمن: حکم قصاص یک زن قاتل در تبریز اجرا شد. این زن که معصومه نام داشت در آبان ماه سال ۷۶ به همراه یک زن دیگر و به جرم فساد اخلاقی دستگیر شد. اما در زندان به یک مأمور زن حمله ور شد و او را به قتل رسانده و از زندان فرار کرد. این زن قاتل ۱۸ روز پس از ارتکاب قتل و فرار در تهران بازداشت شده بود.

روزنامه جمهوری اسلامی ۷ بهمن: قاتل شهیده رقیه محمودی مأمور اجرایی امر به معروف و نهی از منکر در تبریز قصاص شد.

روزنامه همپرس اسلامی ۹ بهمن: (شهاب الدین اسدالله زاده کارگر ۲۲ ساله) که سال گذشته در سلمان شهر با ضربات چاقو پیرمرد ۷۰ ساله بی را در ویلایش به قتل رسانده بود، به دار آویخته شد.

روزنامه همشهری ۹ بهمن: حکم قصاص برای «مهدی -م» ۱۸ ساله در شهر مشهد اجرا شد.

خبرگزاری فرانسه ۱۰ بهمن: روزنامه آفتاب امروز خبر داد، ایران طی دو ماه گذشته ۲۲ قاچاقچی مواد مخدر را در یک زندان واقع در غرب ایران، اعدام نموده است. این روزنامه نوشت، این قاچاقچیان که همگی ایرانی هستند، در زندان رجایی شهر در کرج واقع در حومه تهران، زندانی بودند. این روزنامه افزود تن ۷ از زندانیان که همگی مرد بودند، در ماه نوامبر و ۱۵ تن دیگر در دسامبر اعدام شدند. ۲۰ قاچاقچی دیگر نیز در ماه سپتامبر اعدام شده بودند.

رادیو اسرائیل ۱۳ بهمن: در تبریز اعلام شد در روزهای اخیر، تظاهراتی در زمینه انتخابات روی داد که در جریان آن پنج نفر در منطقه مفتوح تبریز دستگیر شدند و خانی نیز به نام معصومه که در برابر مأموران اعزامی برای جلب شوهر او مقاومت می کرد، هدف گلوله قرار گرفته است. دکتر چهره گانی با اعلام این خبر گفت طی ۵۰ روز اخیر، بیش از ۱۰۰ نفر از فعالان آذری دستگیر شده اند.

روزنامه آریا ۱۷ بهمن: هیأت نظارت برای رسیدگی به درج آگهی اهانت آمیز به یکی از مراجع تقلید در روزنامه قدس مورخ ۱۶ بهمن و چاپ کاریکاتور اهانت

آمیز در هفته نامه پرتو سخن مورخ ۱۳ بهمن برای دومین بار طی روز جاری تشکیل جلسه فوق العاده داد. در این جلسه با توجه به چاپ کاریکاتوری اهانت آمیز در هفته نامه پرتو سخن مورخ ۱۳ بهمن و این که چاپ این کاریکاتور از جمله موارد مذکور در ماده ۲۷ قانون مطبوعات می باشد، هیأت نظارت رأی به تعطیلی این هفته نامه داده و خواستار ارائه پرونده هفته نامه پرتو سخن به دادگاه صالحه شد.

هفته نامه آبان ۱۷ بهمن: رمضان حاجی مهدی وکیل دادگستری، در نامه ای به مطبوعات نوشته است: دادگاه انتظامی قضات، صلاحیت حدود ۲۴ نفر از وکلای دادگستری را رد کرده است. گفتنی است این عده خود را کاندیدای عضویت در هیأت مدیره کانون وکلای دادگستری مرکز کرده بودند. شیرین عبادی، مهرانگیز کار، ناسر زرافشان، از جمله افراد رصلاحیت شده می باشند.

هفته نامه جبهه ۲۳ بهمن: مطلع شدید عصر روز سه شنبه [۱۹ بهمن] گذشته، دو تن از اهالی منطقه حکیمیه تهران پارس به خاطر دفاع از نوامیس خلق الله و من باب نهی از منکر، مورد ضربات چاقوی چند تن قرار گرفته و به شدت مجروح گشته اند. به گزارش خبرنگار ستون گفتن نگید،

آقایان رضا عباسی و علیرضا رشیدی، پس از آن که متوجه می شوند چند سرنشین یک خودرو مزاحم نوامیس مردم شده و با فراغ بال آنان را مورد اذیت و آزار قرار می دهند، جهت جلوگیری از ادامه این عمل به سرنشینان خودرو رجوع می کنند که ابتدا با فحاشیهای رکیک آنان مواجه شده و سپس آقای عباسی به دلیل ضربه مغزی و آقای رشیدی به خاطر اصابت ضربات چاقو و خونریزی از ناحیه ریه، سریعاً به بیمارستان تهران پارس منتقل می گردند و ضاربین نیز سریعاً از منطقه متواری شده و تاکنون نیز دستگیر نشده اند.

رادیو فرانسه ۲۴ بهمن: گزارشهایی که احزاب منطقه ای از جمله گروه کومله از سنجند دریافت شد و حاکی است که در روز ۲۲ بهمن ماه هزاران تن از مردم این شهر که شعارهایی علیه رژیم جمهوری اسلامی ایران و به ویژه سپاه پاسداران بسیج سر داده بودند بانبروهای انتظامی درگیر شدند، گفته می شود که در این تظاهرات به برخی از ساختمانها و از جمله چند بانک خساراتی وارد شده و شیشه های خودروهای مأموران انتظامی شکسته شده است. بنابر همین گزارش صدها تن از تظاهرکنندگان دستگیر شدند و اکنون شهر در کنترل کامل سپاه پاسداران و نیروهای انتظامی قرار دارد.

دانشجویی

خبرگزاری فرانسه ۲۸ دی: یک انجمن دانشجویی امروز اعلام کرد که: یک رهبر اصلاح طلب دانشجویان از روز یکشنبه [۲۶ دی] تاکنون ناپدید شده است. این در حالی است که وی قبلاً رسیده شده بود و در تاریخ ۱۸ دی آزاد شد و از آن زمان تاکنون نیز دو بار مورد تهدید قرار گرفته

بود. انجمن اسلامی دانشجویان در سمنان واقع در شرق تهران در بیانیه ای که به خبرگزاری فرانسه ارسال نمود، در مورد عباس پازوکی خاطرنشان ساخت که پازوکی رسیده شده و به اتهام «مفسد» بودن به خاطر پیشنهاد انقلابی او در یک جلسه در دانشگاه سمنان، توسط یک ضارب به مرگ تهدید شده بود.

روزنامه آفتاب امروز ۲۹ دی: ۵۰۰ نفر از دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم (که از شهرستان قم به تهران آمده بودند)، در اعتراض به عملکرد مدیران دانشگاه هم چنان در مقابل ساختمان وزارت بهداشت درمان و آموزش پزشکی تحصن کردند. شب گذشته دکتر غفوری فرد [دبیر کل جامعه مهندسين] به همراه نماینده ای از سوی طه هاشمی با دانشجویان صحبت کرده و با بیان مشکلات امنیتی، خواستار بازگشت دانشجویان شدند. اما دانشجویان هیچ کدام از دلایل آنها را نپذیرفته و اعلام کردند تا زمانی که خواستهای آنها عملی نشود، به اعتراض ادامه خواهند داد. هم چنین گفته می شود، شب گذشته نمایندگانی از سوی ریاست جمهوری برای قانع کردن دانشجویان و رسیدگی به وضعیت آنان در جمع آنها حضور یافتند که آنها هم موفق به بازگرداندن دانشجویان نشدند. دانش نماینده دختران دانشجو، در حالی که کتابچه لوله شده ای را به سینه داشت «دکتر محمدرضا واعظ مهدوی» یکی از معاونان وزیر بهداشت و فرستاده ویژه او به عنوان تکریم و اشاره نشانه رفته بود، با صدایی بلند و محکم از حسن نیت به پایان رسیده دانشجویان گفت: ما به چه زبانی بگوییم مهندس و فیزیکیان و روحانی محترمند، ولی نمی توانستیم جوابگوی نیازهای یک پزشک باشیم.

روزنامه آفتاب امروز ۳۰ دی: تحصن بیش از پانصد نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی غیر انتفاعی فاطمیه قم بعد از نشست چهار ساعته با حضور وزیر و معاونین وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی و اعضای هیأت امناء و رئیس دانشگاه علوم پزشکی غیر انتفاعی فاطمیه قم و نمایندگان دانشجویان متحصن شب گذشته خاتمه یافت. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی غیر انتفاعی فاطمیه قم از ساعت ۱۲ بعد از ظهر روز سه شنبه ۲۸ دی ماه تا ساعت ۲۱ امشب در اعتراض به آنچه ضعف مدیریت، پایین بودن سطح آموزش و مشکلات موجود آموزش بالینی در بیمارستان شهید بهشتی قم نامیدند، در مقابل ساختمان مرکزی وزارت بهداشت، درمان و آموزش پزشکی تجمع کرده بودند.

روزنامه صبح امروز ۴ بهمن: یکی از دانشجویان دانشگاه آزاد سبزوار در محل سکونت مورد حمله قرار گرفت و بر اثر شدت جراحات وارده در بیمارستان درگذشت. براساس گزارش رسیده در این حادثه که پنجشنبه شب [۳۰ دی] اتفاق افتاد ضاربان پس از ورود به منزل مهدی خانی پور دانشجوی رشته بهداشت وی را با ضربات چاقو به قتل رساندند. به دنبال وقوع این حادثه دانشجویان دانشگاه آزاد بقیه در صفحه ۴

در رسانه های جمعی —

بقیه از صفحه ۳

با تجمع در محیط دانشگاه خواستار رسیدگی سریع به موضوع و تامین امنیت جانی خود شدند که با حضور معاون فرمانداری در دانشگاه دانشجویان به تجمع خود پایان داده و نمایندگان منتخب آنان برای بررسی ماجرا به فرمانداری مراجعه کردند. کاراندیش فرماندار سبزواری در گفت و گو با خبرنگار صبح امروز اظهار داشت ضاربانی که سه نفر بودند بلافاصله پس از ارتکاب جرم دستگیر شدند و وی در خصوص وضعیت دانشگاه آزاد سبزواری پس از وقوع این حادثه گفت: روز یکشنبه [۳ بهمن] دانشگاه تعطیل شد و دانشجویان در مراسم ختم دانشجوی مقتول شرکت کردند و امتحانات برگزار نشد. وی افزود موضوع از طریق مقامات قانونی در حال پیگیری است.

روزنامه همشهری ۲۵ بهمن: دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم از صبح دیروز (یکشنبه) تحت کنترل دانشجویان درآمد و کلیه فعالیت‌های آن متوقف شد. بیش از ۲۰۰ تن از دانشجویان دختر این دانشگاه - که ویژه خواهران می باشد - از صبح دیروز با کنترل درهای ورودی از ورود کارمندان و مدیران و نیز رئیس دانشگاه جلوگیری کردند. دانشجویان علت این اقدام خود را برآورده نشدن قول‌های مسئولین پس از تحصن دو هفته پیش در تهران و قم اعلام کردند. دانشجویان دانشگاه فاطمیه قم خواستار دولتی شدن دانشگاه، برکناری رئیس و هیأت امانا و نیز افزایش کیفیت آموزشی آن هستند. از سوی دیگر به دنبال جلوگیری از ورود مسئولین دانشگاه کلیه تلفن‌های دانشگاه قطع شده است اما دانشجویان تا شب گذشته همچنان کنترل این مرکز آموزشی را در دست داشتند. مأمورین نیروی انتظامی در محل حضور دارند اما هیچ دخالتی در ماجرا از خود نشان ندادند. دانشگاه فاطمیه به منظور تربیت پزشک و نیروی متخصص زن در امور درمانی توسط بخش خصوصی ایجاد شده و آیت الله یزدی و حجت الاسلام شرعی عضو هیأت امنای آن هستند. همچنین خانم دکتر لایف ریاست دانشکده را به عهده دارد.

روزنامه اخبار اقتصاد ۱۸ بهمن: جمعی از دانشجویان دوره شبانه دانشگاه اراک با تجمع در مقابل ساختمان امور اداری این دانشگاه، نسبت به افزایش شهریه‌ها اعتراض کردند. این دانشجویان افزایش شهریه را موجب ترک تحصیل دانشجویان دانستند.

قتل‌های سیاسی زنجیره‌یی

روزنامه همشهری ۴ بهمن: دو هنرمند خراسانی در خانه اجاره ای خود در خیابان فلسطین تهران جان سپردند. رضا ضیایی نیا ۲۴ ساله، شاعر و نویسنده و هادی تقی زاده ۲۵ ساله شاعر و نقاش،

هنرمندان منتقدی بودند که مطالب و آثار آنها در نشریات هفتگی کشور چاپ می شد. سید سعید رضا طباطبایی دوست این هنرمندان به خبرنگار ما گفت: رضا ضیایی نیا صبحها در مجله کارنامه مطلب می نوشت و بعد از ظهر در انتشارات شهر قبه متعلق به فرزند مرحوم تختی (بابک تختی) در میدان انقلاب روبروی دانشگاه تهران کار می کرد. وی در باره هادی تقی زاده شاعر و نقاش خراسانی گفت: وی به صورت آزاد در مطبوعات کشور کار می کرد و علاوه بر آن در خیابان انقلاب تهران به کتابفروشی اشتغال داشت. آنها خانه ای در خیابان توس منشعب از خیابان فلسطین تهران اجاره کرده بودند. صبح شنبه ۲ بهمن وقتی آن دو هنرمند به محل کار خود نرفتند دوستان و آشنایان پیگیر ماجرا شدند و سپس دریافتند شب قبل (جمعه شب) در خانه جان سپرده اند. علت مرگ این دو نفر به ظاهر خفگی اعلام شده اما تحقیقات وسیعی برای کشف علت اصلی مرگ هنرمندان از سوی کلانتری ۱۴۸ انقلاب جریان دارد.

روزنامه پیام آزادی ۵ بهمن: نامه سرگشاده ی عبدالناصر مهمینی، خبرنگار آزاد، برای خاتمی. وی خطاب به خاتمی می نویسد: - بنا به مسئولیت خطیری که بر عهده دارید، برای کشف حقیقت و احقاق حقوق شهروندانی که دو تن از اعضای خانواده شان با شیوه های جنایتکارانه به قتل رسیده اند، دستور پیگیری و اقدام قانونی صادر فرمایید - در این نامه جزئیات قتل دو زن توسط نیروهای امنیتی وزارت اطلاعات که در تاریخ اول آبان ۱۳۷۵ در شهر گرگان صورت گرفت، تشریح شده است. این دو زن «فرزین مقصدلو و شبنم حسینی حدود ساعت ۶ تا ۷ شب توسط ۲ یا ۳ مرد در یک آپارتمان مسکونی با ضربات متعدد کارد به قتل رسیدند. روزنامه پیام آزادی به نقل از این نامه می نویسد: یک مقام محترم قضایی در گرگان که حاضر به افشای نام خود نیست، به این خبرنگار گفته است، تا آن جا که می دانم و براساس برخی شواهد، افرادی که این دو زن را به قتل رسانده اند، حرفه یی و دارای ارتباطهای امنیتی در مرکز بوده اند و ظاهرا اصل پرونده این قتلها نیز در تهران تشکیل شده است.

روزنامه آفتاب امروز ۶ بهمن: اکبر گنجی در پاسخ به اظهارات ترقی نماینده مشهد به خبرنگار آفتاب امروز گفت: سعید امامی در مرگ سعیدی سیرجانی دست داشت. او سیامک سنجر را با چند تن دیگر به یک خانه برد، در آنجا چند ساعتی با او گفتگو کرد. سپس به همراهان دستور داد که او را با چاقو به قتل رسانند. سیامک سنجر به گریه افتاد و گفت: طی روزهای آینده مراسم عروسی او در پیش است. سعید امامی با موبایل با شاه کلید تماس گرفت و گفت سنجر گریه می کند عروسی اش چند روز دیگر است. کارت دعوت عروسی برای من و تو نیز در جیبش آماده است. شاه کلید از آن طرف به سعید امامی فرمان داد که او را

بکشید و آنها نیز با ۱۵ ضربه چاقو او را به قتل رساندند و سپس ماشین بنز او را در یکی از دره های اطراف تهران به آتش کشیدند.

روزنامه آفتاب امروز ۶ بهمن: اکبر گنجی در ادامه گفتگوهایش با آفتاب امروز، از ماجرای قتل خانم اشرف السادات برقی سخن گفته است. در اسفند ماه سال ۱۳۷۴ خانم متدینی به نام اشرف السادات برقی به طرز فجیعی در شهر قم به دست ناهلان در ذیل پروژه «قتل عام درمانی» به قتل رسید. آن مرحومه همسر پسر عموی آقای مصطفی پورمحمدی معاون وزیر اطلاعات در زمان علی فلاحیان بود. ضمنا شوهر آن مرحومه، برادر خانم آقای پورمحمدی است. محفلیها پس از کشتن آن مرحومه، با مواد خاصی گوشت دست پای او را می سوزانند و با باز کردن شیرهای گاز، منزل را آماده انفجار می کنند. مسئولان اداره کل اطلاعات قم با آقای پورمحمدی که از عراق به ایران باز می گشت تماس گرفته و لذا ناسپرده یکرست از قصر شیرین به قم می رود. ابتدا جلسه یی در منزل پدر آن مرحومه و پس از آن جلسه یی در منزل سابق علی فلاحیان با حضور آقای پورمحمدی در این باره برگزار می شود. افرادی توسط وزارت اطلاعات بازداشت و پس از چند ماه آزاد می شوند. اما پس از گذشت نزدیک به چهار سال، هنوز هیچ کس به عنوان قاتل شناسایی نشده است.

روزنامه آفتاب امروز ۹ بهمن: ناصر زرافشان یکی از وکلای پرونده قتل‌های سیاسی زنجیره‌یی و نیز یکی از اعضای کمیته دفاع از حقوق قربانیان قتل‌های زنجیره‌یی می گوید - خود را موظف می بینم برای جلوگیری از تحریف مسأله و گمراهی افکار عمومی، نکاتی را در این زمینه، یادآور شوم. مهندس برانزده در تاریخ ۱۴ دی مفقود شد و جسد او را در ۱۵ دی در حوالی خیابان فلسطین پیدا کردند. جواد صفا را در شهریور ۷۵ پس از آن که از منزلش، به مقصد محل کار، خارج شد ربودند و سر به نیست کردند و جلال مبین زاده یک ماه بعد در مهر ۷۵ و به وسیله سرنشینان اتوموبیلی از محل کار خود ربوده شد و دیگر خبری از زنده یا مرده او به دست نیامد. و زهرا افتخاری را در آذرماه ۷۵ به شهادت کسبه محل، سرنشینان اتوموبیلی پس از خروج از محل کار خود، با زور و ارعاب، سوار اتوموبیل خود کرده و بردند و دیگر از او خبری به دست نیامد و مرتضی علیان نجف آبادی ماه بعد یعنی صبح جمعه ۲۸ دی هنگامی که با اتوموبیل تویوتای سفید رنگ خود از خانه به مقصد باغ محل کار خود می رفت ناپدید شد و بستگان او محل اختفای اتوموبیل او را هم پیدا کردند و کار به آگاهی و تشکیل پرونده و بقیه دوندگی‌هایی رسید که همیشه بی نتیجه می ماند و بازماندگان داغدار. خوب با آن آشنا هستند و امیر غفوری در دوم بهمن ۷۵ هنگامی که برای انجام مأموریتی، محل کارش در شرکت داده پردازی خراسان ترک می کرد بین طبقه سوم ساختمان محل کارش که آخرین بار او را دیده بودند

تا جلوی ساختمان، مفقود شد و سید محمود میدانی در روز ۱۳ فروردین ۷۶ به وضعی مشابه دیگران ربوده شد و زنده یا مرده او خبری در دست نیست و مجید رنجبر که با مقاومت خود و کمک مردم خیابان سعیدی مشهد از دست آدم ربایان و قاتلین گریخت و مشخصات این قاتلین و حتی اتوموبیل آنها را هم دارد.

روزنامه پیام آزادی ۲۹ دی: شنیده شد سعید امامی در اعترافات خود در مورد چگونگی به قتل رسیدن مجید شریف گفته است، ما ابتدا نمی خواستیم مجید شریف را بکشیم، چون او را مسلمان می دانستیم. اما دستور داده شد که چون وی سپر غیر مسلمانان قرار گرفته، باید کشته شود. مجید شریف نویسنده، مترجم و پژوهشگر، سال گذشته دچار ایست قلبی شد. بعدا مطرح گردید وی با شیاف پتاسیم به قتل رسیده است.

روزنامه ایران ۹ بهمن: جسد یک مرد جوان که در یکی از دانشگاههای تهران تدریس می کرد، پنجشنبه شب ۷ بهمن، در خانه اش واقع در غرب تهران پیدا شد. این مرد با یک نام داشت و ۲۹ ساله بود جسد استاد جوان دانشگاه به دستور قاضی کشیک ویژه قتل، برای تشخیص علت اصلی و زمان مرگ به پزشکی قانونی منتقل شد. تحقیقات بیشتر در باره علت این حادثه ادامه دارد. اما احتمال دارد وی در اثر انتشار گاز آبگرمکن جان سپرده باشد.

هفته نامه امید جوان ۱۰ بهمن: در حالی که اسامی ۱۰۰ تن از قربانیان قتل‌های زنجیره‌یی یا مفقودان سیاسی منتشر شده است، مادر یکی از این افراد (جواد صفا) به نشریه «هامون» گفته است: که با ما تماس گرفته شده و فردی بدون آن که خود را معرفی کند خبر از نگهداری مفقودان در یک مکان خاص داده است. به گفته مادر جواد صفا، وی دو ماه پس از آن که مفقود شد در یک مکالمه تلفنی که تنها چند ثانیه به طول انجامید، خبر از سلامت خود داد.

روزنامه رسالت ۱۸ بهمن: در پی دروغ پردازیهای اخیر دو تن از نویسندگان روزنامه های جنجال آفرین در ارتباط با قتل‌های مشکوک، شنیده شده وزارت اطلاعات از اکبر گنجی و عمادالدین باقی به دستگاه قضایی شکایت کرده است.

روزنامه همشهری ۲۳ بهمن: راز دو قتل مشکوک در گرگان پس از سه سال از ارتکاب آن همچنان در پرده ابهام است. به گزارش خبرنگار همشهری از گرگان در اول آبان سال ۱۳۷۵ خبری در شهر گرگان پیچید مبنی بر این که فرزین مقصدلو و شبنم حسینی در ساعت ۱۸ توسط ۲ یا ۳ مرد در یک آپارتمان مسکونی با ضربات کارد به قتل رسیده اند. با توجه به مسأله ممنوع الخروج شدن یکی از مقتولان برخی ناظران احتمال دست داشتن برخی محافل امنیتی مرتبط با باند سعید امامی را در قتل این دو زن منفي نمی دانند. □

یادداشت و گزارش

الف. ش. مفسر

عملیات نظامی مجاهدین در ۱۶ و ۱۷ بهمن در داخل کشور به ویژه عملیات تهران، از چنان اهمیت برخوردار بود که مورد بحث و تفسیر نشریات بین المللی و برخی رادیوهای فارسی زبان قرار گرفت و البته مثل موارد مشابه، حامیان رژیم آخوندی را به یاه گوپی علیه مجاهدین واداشت. یک دلیل این یاه گوپیها و شاید مهمترین آن این است که «تولید» مجاهدین در این زمینه عجلالتا زیاد و انبوه نیست و این عامل خصوصا در موضعگیری طرفهای خارجی رژیم تأثیر دارد. اگر روزی برسد که مجاهدین ماهی چند حمله نظامی به مراکز سیاسی یا نظامی رژیم انجام دهند، و یا هر ماه چند جنازه از مزدوران رژیم و «سربازان گمنام امام زمان» روی دست رژیم روضه خوانها بگذارند، آن وقت حامیان رژیم در اظهار نظر جانب احتیاط و عاقبت اندیشی را ننگ خواهند داشت و در محکوم کردن «تروریسم» مجاهدین برای خوشایند رژیم، چندان رغبتی نشان نخواهند داد. یک سوژه تبلیغاتی رژیم و حامیانش علیه مجاهدین، صدمه های ادعایی آنان از عملیات مجاهدین به مردم است. در این مورد، تاکنون ادعاهای رژیم دروغ بوده است. چون هدفها و زمان حمله طوری انتخاب می شوند که به مردم عادی صدمه بی نرسد، اما این نکته را باید یادآور شد که اگر روزی در یکی از عملیات نظامی مجاهدین، به هر دلیل صدمه بی به مردم عادی رسید یا زیان مالی دیدند، مثلا اتوموبیلشان آسیب دید یا شیشه پنجره خانه شان شکست، این جز اهداف عملیات نبوده و این را خود مردم بهتر می دانند. یک چنین موردی اگر اتفاق بیفتد، از عوارض و زینهای حکومت آخوندی (مثل آن ۸ سال جنگ). و جز «هزینه های است» که مردم ایران به همراه خون بهترین فرزندان مجاهد و مبارز خود، بسرای آزادی پرداخته و می پردازند، در صورت چنین اتفاقی البته باید با تأسف از آن، غیر قابل پیش بینی بودن آن را یادآور شد. در اعتراضات خودجوش و خودانگیخته مردم نیز از این قبیل زیانها، حتی به مردمی که شرکت کننده در رویداد نبوده اند وارد می شود و علاوه بر آن از سوی نیروهای سرکوبگر رژیم نیز، ممکن است مورد یورش قرار گرفته و مضروب و مجروح دستگیر شوند.

عملیات مجاهدین از نظر زمانی از آن جهت دارای اهمیت ویژه بی است که نیروهای امنیتی و سرکوبگر رژیم، هم به لحاظ نزدیک شدن زمان انتخابات و مراسم «دهه فجر» به تدابیر امنیتی شدید پرداخته بودند و هم در شهرهای مرزی که نیروهای نظامی رژیم مورد حمله قرار گرفتند، رژیم بزرگترین مانور نظامی - امنیتی خود را، با عنوان «ذوالفقار

ولایت» برگزار می کرد و به تمرکز شدید نیرو - آن هم از زبده ترین واحدها - در آن منطقه دست زده بود. عملیات نظامی همزمان مجاهدین در تهران و منطقه مانورهای رژیم، کمترین تأثیرش، تحقیر کل نظام و به ویژه نیروهای سرکوبگر آن است که دست به «رزمایش» برای بالا بردن توان خود، برای حفظ رژیم ولایت فقیه زده بودند. هدفهای انتخاب شده در عملیات تهران، یک رویداد بین المللی همراه با جنگ را که چندی پیش پایان یافت به یاد آدم می آورد و آن این که در مسأله کوزوو پیمان ناتو (صرفنظر از اعضای جدید آن) که دربرگیرنده آمریکا و کشورهای بزرگ صنعتی اروپاست و به عنوان دموکراسیهای غربی شناخته می شوند، برای واداشتن میلووشویچ رئیس جمهوری فدرال یوگوسلاوی به بیرون بردن نیروهای نظامی از مناطق اشغالی، در بیمارانهای گسترده بی که تأسیسات صنعتی و اقتصادی صربستان را منهدم می کرد، هدفهای دیگری را هم منهدم کرد که نه صنعتی بود نه نظامی، آنها ساختمان رادیو تلویزیون را هدف قرار دادند که چند کارمند و خبرنگار نیز طی آن کشته شدند. ناتو دلایل انتخاب این هدف را منهدم کردن «نمادهای قدرت» میلووشویچ اعلام کرد. محل اقامت او را بمباران کردند (که البته موقع بمباران در آنجا حضور نداشت) بعد گفتند هدف کشتن او نبود منظور انهدام «نمادهای قدرت» بود، ساختمان سفارت چین در بلگراد را هم ظاهرا به طور اشتباهی به جای یکی از همین «نمادهای قدرت» بمباران کردند. بالاترین و مهم ترین «نمادهای قدرت» رژیم ولایت فقیه، منطبق است، با انتخاب هدف برای تهاجم نظامی، در جنگی که استراتژی آن، حل یک مسأله سیاسی منطقه بی است و نه گرفتن زمین. در جنگی که قبلا به آن اشاره شد، طبعا هدفها توسط کارشناسان و فرماندهان نظامی بلندمرتبه تعیین می شد، و توسط سیاستمداران با تجربه و رؤسای کشورهای عضو ناتو تأیید می شد. حالا مجاهدین موشک کروز یا هواپیما و بمب لیزری چند صد کیلویی ندارند، از روی زمین با گلوله چند صد گرمی یا چند کیلویی خمپاره این کار را می کنند، اسم این کار را هر کس تروریسم بنامد یاهو گفته است. البته استراتژی و موضوع جنگ مجاهدین با رژیم، متفاوت با جنگ یاد شده است و ویژگی خاص خود را دارد. هدف نهایی یا استراتژی مجاهدین برانداختن این رژیم مذهبی خونریز با مبارزه مسلحانه و به راه انداختن انقلاب است که بدنه ارتش آن را توده ها تشکیل خواهند داد. و اهرم و بازوی آن ارتش آزادیبخش است. این جنگ، جنگ با رژیمی است که حق حاکمیت مردم و حقوق بشر را به رسمیت نمی شناسد و دست از صغیر شناختن مردم و اعمال «ولایت» بر آنان بر نمی دارد و تن به انتخابات آزاد نمی

اصناف و بازار و جامعه اسلامی مهندسين، مستقيم و غير مستقيم چه به شكل «بخش رسانه يی»، چه تأمين كننده تداركات و چه عامل اجرا، در اين جنايتها دست داشته اند چون اينان به بزرگ عاليجنابان خاكستری یعنی خامنه ای وصلند. به ياد آريم كه در جريان تظاهرات دانشجويان و ماجرای كوی دانشگاه در تيرماه سه روزنامه (كیهان، رسالت، جمهوری اسلامی) به همراه هیأت مؤتلفه به رهبری حبیب الله عسگرولادی مسلمان و جامعه اسلامی مهندسين، طرف مهاجمان را گرفتند و دانشجويان را محكوم كردند كه مسبب و محرك حادثه بوده اند.

عملیات تهران همچنین یادآور یک اقدام قهرمانانه مبارزان راه آزادی، در زمان شاه، در همین منطقه از تهران است و آن اعدام انقلابی، یکی از رذل ترین شکنجه گران و بازجویان ساواک به نام نیک طبع در خیابان پاستور نزدیک کاخ نخست وزیری در آن زمان، توسط سازمان چریکهای فدایی خلق ایران است که در آبان سال ۵۳ صورت گرفت و موجی از شادی در میان مردم و به ویژه دانشجويان برانگیخت. در عملیات مذکور یک زن چریک فدایی نیز شرکت داشت. عملیات قهرمانانه مجاهدین در تهران، و شلیک خمپاره به مقر حکومتی رژیم روضه خوانها اگر چه طراز «هنمود قرآنی ۷ تیر» نبود و سقفا را بر سر جنایتکاران درنده خو خراب نکرد، با این حال کاری در خور تحسین است. اما به نظر من مجازات چهره های شاخص از مبلغان فاشیسم مذهبی و نظریه پردازان قتل روشنفکران و اعمال خشنونت علیه شهروندان و حامیان محدودیت آزادی بیان و قلم، می تواند دل مردم را شاد و روحیه تهاجمی آنان را علیه رژیم تقویت و پیوند آنان با مقاومت مسلحانه را بیشتر کند. مثلا «حضرت آیت الله مصباح یزدی» برجسته ترین «شخصیت» برای این اقدام خدابنده است که در صورت تحقق قلب مردم ایران به ویژه جوانان و دانشجويان از آن شاد خواهند شد.

افول مفتضحانه رفسنجانی

رفسنجانی نتوانست در برابر وسوسه های قدرت پرستانه و نیت نمرودی و توهمات ابلهانه اش، در مورد نقش ویژه یی که برای حفظ رژیم دارد. مقاومت کند و بالاخره به عنوان کاندیدا برای انتخابات مجلس آخوندی ولیدر جناح هار حکومت در مجلس، وارد رقابتهای انتخاباتی باندهای رژیم شد. قبلا کسانی چون عمادالدین باقی از عناصر ۲ خردادی، با نوشتن مقاله، و مشفقان و خیرخواهانه به او توصیه کرده بودند که بعد از ۲۰ سال در پستهای مهم قرار داشتن و بعد از نوشتن خاطرات دوران صاحب منصبی، و با توجه به این که اوضاع و شرایط طوریت که دیدگاههای او مناسب حل مسائل موجود نیست، بقیه در صفحه ۶

پنجره

— فروش

تاریک و سرد است و هیچ پنجره ای وجود ندارد که حداقل نور خورشید بتواند یک کمی این جا را گرم کند. آرام و راحت روی تختش دراز کشیده، انگار برایش هیچ فرقی نمی کند که این اتاق تک نفری چه وضعیتی دارد. شاید به دلیل این که این جا درست وضعیتی را دارد که خانه شان داشته: سرد، کوچک و بدون پنجره. ولی یک مسأله همیشه برایش سؤال انگیز بود: چرا هر کجا که او می رود. پنجره ای وجود ندارد؟ و همیشه در این فکر است، اگر که اینجا پنجره ای داشت !!

داشت چشمانش گرم می شد که صدای ضربه خوردن چکمه هایی بر روی زمین گوشش را آزار داد. جلوی پایش را بر روی زمین کوبید که انگار از زمین هم طلبکار است. این بار صدای جلوی سلول چه کسی قطع خواهد شد، ناگهان صدای ضربه های مفرورانه قطع شد و در سلولش باز شد. بلند شو! شما مفت خورها فکر می کنید اینجا هتل، هیکتل را تکان بده و پشت سر من راه بیفت. به اتاقی رسید که یک مرد چاقی با موهای مجعد، پشت میزی نشسته بود و می نوشت. وقتی وارد شد، او همچنان به نوشتن ادامه می داد.

انگار که کسی وارد اتاق نشده. هی، تو اینجا را انگشت بزنی، می دونی چه کار کردی؟ آره ... از ... مگر من به تو اجازه دادم حرف بزنی، دهنتم را وقتی باز می کنی که من بگم. از دیوار مردم بالا می روی! شما بی پدر و مادرها را من ادب می کنم. مملکت قانون داره چه فکری کردی؟ ها! بیا این هم حکم دادگاهت: ۲۰ سال زندان.

اما من ... باز هم که بدون اجازه من حرف زدی. این پدر سوخته را ببر به سلولش. و دوباره همان سلول سرد و تاریک و بدون پنجره. فکر این که بیست سال بدون پنجره چه کار باید بکند، آزارش می داد. وقت هواخوری پشت صف با بقیه بیرون رفت. توی فکر بود که صدایی از پشت سرش شنید، هی!

چند تا؟
چی چند تا؟
منظورم این است که چند تا را کشتی؟

هیچ کسی را! هیچ کس را!
من دو نفر را کشتم، می خواستند دکه من را جمع کنند چون پروانه کار نداشتم، تمام زندگی من همان دکه بود. من هم آنها را پیش خدای مهربونشون فرستادم شاید آنجا به یک نوایی برسند. چند سالته؟
۲۰ سال.

چند سال خوردی؟
۲۰ سال!



یادداشت و گزارش

بقیه از صفحه ۵

بهتر است عرصه اشتغال سیاسی را ترک کند و نقش یک ریش سفید را برای رژیم داشته باشد و جا برای نیروهای جوان رژیم خالی کند. این قبیل خیرخواهان ۲ خردادی رفسنجانی، به او یادآور شدند که ممکن است در مورد میزان «محبوبیت» خود در بین مردم دچار اشتباه فاحشی در ارزیابی شده باشد و نتیجه انتخابات، او را در وضعی چون وضع ناطق نوری، بعد از روشن شدن نتیجه انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۷۶ قرار دهد. اما او گوشش به این حرفها بدهکار نبود و مثل همه خودپرستان و خودمحوربینان، نتوانست به چیزی جز جاه طلبیهایش پیاندیشد و صلاح خود را نتوانست ببیند و دریابد. رفسنجانی این بار برای «تعدیل» سیاسی وارد معرکه شده است. این اقدام او خشم بیشتر عناصر ۲ خردادی را برانگیخت و نه تنها کسانی چون اکبر گنجی و عباس عبدی که قبلاً انتقاداتی از عملکرد ۸ ساله او در دو دوره ریاست جمهوری به عمل آورده بودند، بلکه کسانی چون هادی غفاری، معرکه گیر چماقدارهای اول انقلاب و زمان «انقلاب فرهنگی» و علی اکبر محتشمی وزیر کشور سرکوبگر دولت میرحسین موسوی هم که حالا ۲ خردادی شده اند، زبان به انتقاد از رفسنجانی گشودند. منتقدان رفسنجانی در عین حال برای او نقش تعیین کننده در صورت راه یافتن به مجلس قائل نیستند و معتقدند که او در مجلس ششم که اکثریتش را ۲ خردادیها «مستقلها» تشکیل خواهد داد، نخواهد توانست کمک چندانی به تحقق اهداف «جناح راست» بکند. حتی برخی عناصر ۲ خردادی احتمال شکست او در این انتخابات و عدم موفقیتش در کسب آرای لازم برای ورود به مجلس را بعید نمی دانند، وضعیتی که اگر پیش بیاید به مراتب متضحانه تر از نتایج انتخابات ریاست جمهوری در خرداد ۷۶ برای جناح ها و خامنه ای و یک بی آبرویی و سرکستگی غیر قابل جبران برای شخص رفسنجانی خواهد بود. اما این اتفاق هم اگر نیفتد، و اگر رفسنجانی جزء نفرات میانی دارندگان رای لازم برای ورود به مجلس باشد یا در دور دوم (اگر انتخابات به دور دوم بکشد) به مجلس راه یابد، باز هم این امر افتضاح بزرگی برای اوست. به

هر حال من فکر می کنم ارزیابی بعضی از خردادیها مبنی بر این که، دیگر «تاریخ مصرف» رفسنجانی گذشته، ارزیابی غلطی نیست و به گمان من او در صورت ورود به مجلس نیز، به چیزی تبدیل خواهد شد که مردم در گفتگو برای رعایت ادب به آن «چوب دو سر طلا» می گویند. او

نظرات جناح ها را نخواهد توانست پیش ببرد و در همان حال به خاطر سنگ انداز شناخته شدنش در سر راه «اصلاحات و توسعه سیاسی» خود را بیش از پیش نزد بخش ناراضی رژیم و ۲ خردادیهها، از سکه خواهد انداخت. پیش درآمد این آینده ذلت بار و غم انگیز رفسنجانی را، اکبر گنجی با مقاله عالیجنابان سرخپوش در برابر همگان قرار داد که در آن، ادعاها و دروغوئیهای او را در مصاحبه های اخیرش و نیز عملکرد ۸ ساله او را در دو دوره ریاست جمهوری، مورد نقد و بررسی قرار داده بود و یادآور شده بود که او باید در مورد قتلهای زنجیره ای قبل از سال ۷۶ و ادامه جنگ بعد از آزادی خرمشهر به مردم پاسخگو باشد. این مقاله به همراه سایر انتقادات چنان فشار روحی و عصبی به رفسنجانی وارد آورده بود که اشک او را در نماز جمعه، سرازیر کرد و او را به بددهنی و برچسب زنی علیه منتقدانش واداشت. گنجی با این که به خاطر مقاله عالیجناب سرخپوش از سوی برخی «طرفداران اصلاحات» که به قول عباس عبدی «پیویزیسم سیاسی» پیشه کرده اند، مورد انتقاد قرار گرفت (از جمله توسط مرتضی مردیها)، از موضع خود عقب ننشست و در مقاله دیگری، باز هم به زدن پیه رفسنجانی پرداخت و پاسخ بددهنیهای او را، در مطلب دیگری تحت عنوان «روشنفکران و گفتنمان عالیجناب» که در روزنامه صبح آزادگان ۹ بهمن به چاپ رسید داد.

به هر حال به گمان من تا جمهوری اسلامی باقی است در هر انتخاباتی که با همین معیارها برای تعیین توازن قوا بین جناحهای رژیم برگزار شود. اگر جناح ها نتوانند به روشهای توطئه گرانه یا تقلبهای بزرگ دست بزنند. به رغم همه پشتیبانیهای ولی فقیه و شورای نگهبان، هرگز نخواهد توانست آن فاصله ۲۵ درصد به ۷۰ درصد را که از انتخابات ۲ خرداد ۷۶ نصیبش شد، پشت سر بگذارد و به رقیب برسد، مگر آن که این جناح نیز «تجدید نظر طلب» شده و ده سالی برای باوراندن این تغییر موضع به پائینها، تلاش کند. در این میان اگر کس یا کسانی مثل رفسنجانی بخواهند دودوزه بازی پیشه کنند، بیشتر زیان خواهند دید. امروز که این مطلب نوشته شد ۲۴ بهمن (برابر ۱۳ فوریه) است. تا زمان رسیدن نبردخلق به دست خوانندگان، حتماً نتیجه انتخابات روشن شده است بعداً به بررسی آن خواهیم پرداخت.

توضیح و اصلاح

در شماره پیش نبردخلق در زیرنویس یادداشت و گزارش اسم یکی از گروههای تروریستی تشکیل دهنده سازمان فاشیستی - مذهبی مجاهدین انقلاب اسلامی در اثر اشتباه چاپی توحیدی اصناف نوشته شده بود. نام صحیح این گروه «توحیدی صف» است.

در گرامیداشت ۸ مارس، روز جهانی زن

نگاهی کوتاه به کارنامه دولت خاتمی و مجلس پنجم رژیم در مورد حقوق زنان

— زینت میرهاشمی



۸ مارس ۱۹۰۹، نیویورک - تظاهرات زنان برای زندگی بهتر، بهبود شرایط کار و ممنوعیت کار کودکان

آزادی سخن می گویند حال آن که اخیراً تعدادی از روزنامه های ایران تعطیل شده است. شهادت دو زن برابر یک مرد است و از دختران باید آزمایش بکارت به عمل آید. دختران را می توان در سن ۹ سالگی به عقد و ازدواج درآورد، آیا این است مفهوم آزادی؟ جواب می دهد: «در مورد زنان همان نظری که در قسمت قبل اشاره کردم یکی از تلاشهای ما بازنگری و اصلاح متن قوانین و مقررات است. البته نه همه قوانین و مقررات. به خاطر این که بعضی از قوانین جزء اعتقادات مذهبی ماست و معتقدیم که باید ثابت بماند. اما بعضی از قوانین اسلامی متناسب با شرایط قابل اصلاح و بقا هستند.»

روشن است که زهرا شجاعی نمی تواند با تغییرات اساسی در قوانین اساسی که مربوط به زن است موافق باشد. چرا که هر گام اساسی به سود زنان، رژیم را صدها گام به سرنگونی اش نزدیک می کند.

فائزه هاشمی رفسنجانی چه می گوید؟
اما بشوئیم از فائزه هاشمی رفسنجانی. او که پیش برنده بخشی از سیاستهای ارتجاعی بساند مافیایی رفسنجانی می باشد. زمانی ژست دفاع از حقوق زن را بسیار می گرفت. او با پوشیدن شلوار زیر چادر و چاقچور و یا مقنعه دو رنگه فکر می کرد می تواند زنان را فریب دهد و حساب خود را از حساب مرتجعان حاکم جدا کند. او می خواست با دوچرخه و فوتبال و... چهره ای جدید از خود نشان دهد. در حالی که سیستم فکری و شیوه نگرش او نسبت به زن که از تفکر بنیادگذار رژیم نشأت می گیرد. او در سومین جلسه شورای هماهنگی ورزش زنان کارمند می گویند: «افزایش فعالیتهای بانوان در کلیه زمینه های سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و

این فلک زده دیگر خیلی از ماجرا پرت است و بهتر است که در مورد او وقت تلف نکنیم.

زهرا شجاعی چگونه فکر می کند؟
اما در مورد زنانی که در نهادهای جمهوری اسلامی و در خدمت به استبداد مذهبی و ارزشهای فرهنگی آن دم از حقوق زنان می زنند ببینیم وضع از چه قرار است.

زهرا شجاعی مشاور خاتمی در امور زنان می گوید: «مادر بحث حقوق عمومی زن و مرد شک و تردیدی نداریم اما همان تفاوتی خلقت ایجاد می کند در بعضی موارد جداسازی بین زن و مرد یا به تعبیر امروزی «نگرش جنسیتی» وجود داشته باشد. (خبرگزاری ایرنا ۱۵ مهر ۷۷) وی در جایی دیگر می گوید: «مشیت الهی حکم می کند که بین دو جنس زن و مرد یک سری تفاوتی وجود داشته باشد. پذیرش این تفاوتها بین زن و مرد ایجاد می کند که نظام حکومتی و برنامه ریز ما نسبت به زنان نه یک نگاه تبعیض آمیز بلکه نگاهی متفاوت داشته باشد.» (همشهری ۵ خرداد ۷۸) و یا می گوید: «برخورد ما در باره زنان تفاوت اساسی با مقوله افراطی غربی تحت نام فمینیسم دارد... تضادی میان جنبش زنان و اصول اسلام وجود ندارد و اگر اختلاف نظری میان علمای دین و ما بروز کند، ما به نظر امام خمینی یا ولی فقیه، علی خامنه ای رجوع خواهیم کرد.» (خبرگزاری رویتر ۱۵ مهر ۷۷)

بیچاره و بدبخت زهرا شجاعی که وقتی می خواهد عوامفریبانه حرفی به سود زنان بزند مجبور است سرسپردگی خود را به خمینی و خامنه ای و نظام ولایت فقیه اعلام کند.

زهرا شجاعی مشاور خاتمی در کنفرانس ملل متحد در واشنگتن در مقابل سؤال خبرنگاری که می پرسد: «شما از

حجله بکشد. خمینی می خواست زن را مطابق الگوی خود سازمان و شکل دهد و آنان را نمادی از نظام بربریت و بندگی زن به مرد به جهانیان نشان دهد. اما زهی خیال باطل.

«سست و بیهوده و باطل است که زورمداران زمانه گمان برند بر آزاده جانی و آزاداندیشی چیرگی یافته اند، تنها به این دلیل که دهانها را دوخته اند و بر لبها مهر خاموشی کوبیده اند.» (۲)

از همان ابتدا زنان کشور ما رژیم را به چالش طلبیدند و نیروهای ارتجاعی از عجز و درماندگی خود در مقابل نیروی عظیم زنان و برای حفظ قدرت خود مجبور شدند به میزانی رنگ عوض کنند. اما از آن جایی که خانه ی تفکر آخوندها از بن ویران است، کاری نمی توانند بکنند.

خاتمی حرفهای کلی در مورد گفتگوهای تمدنها و آزادی و... زیاد می زند. او طوری این حرفها را می زند که گویی در ایران همه چیز حل شده و او رسالت صدور راه حلها را به دیگر کشورها دارد. او که شریک همه جرم و جنایتهای گذشته رژیم است، اکنون پز اصلاح طلبی گرفته و خود را طرفدار آزادی زنان می داند. اما این آخوند مرتجع تا امروز، یک حرف مشخص در مورد زنان نگفته و حتی یک بار هم قوانین ضد زن در حکومت را مورد سؤال قرار نداده است. احتمالاً خنده های او، خنده به ریش کسانی است که فکر می کنند او به آزادی و برابری زن اعتقاد دارد.

وی در مورد ورزش زنان می گوید: «امروز ما به جایی رسیده ایم که احساس می کنیم با حفظ ارزشهای دینی و فرهنگی خودمان زنان می توانند در صحنه های مختلف جامعه حضور یابند که یکی از این صحنه ها صحنه ورزشی است.» (تلویزیون رژیم ۲۱ بهمن ۷۷)

او از ارزشهای فرهنگی و دینی مالاها که بر پایه استبداد مذهبی است، دم می زند. اما در مورد مهمترین سند بین المللی در مورد زنان موضع منفی می گیرد. «در جلسه شورای عالی انقلاب فرهنگی با ریاست محمد خاتمی، اصول و مبانی روشهای اجرایی طرح توسعه فرهنگ عفاف تصویب شد. این شورا الحاق جمهوری اسلامی ایران به «کنوانسیون رفع هر گونه تبعیض علیه زنان» را رد کرد.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۱۶ بهمن ۷۶). موسوی لاری وزیر کشور خاتمی در یک میز گرد می گوید: «هیچ محدودیتی برای زنان وجود ندارد مگر محدودیتی که ناشی از توانایی جنسی باشد... تاکید روی حقوق زنان نوعی از بین بردن حقوق آنان است و آنچه بین زن و مرد فاصله ایجاد می کند شرایط جسمی است.» (ایرنا ۱۵ مهر ۷۷)

تصمیمات فقط آغاز یک ماجرا هستند. وقتی کسی تصمیمی می گیرد خود را در جریانی تند پرتاب می کند که او را به سوی مقصدی خواهد برد. وقتی که اقدام به تصمیم گیری می کرد خواب آن را هم نمی دید.» (۱)

زنان آزاده و برجسته، روزی که قدم به میانه میدان کارزار مبارزه گذاشتند و از خانه ها بیرون آمدند و علیه ظلم و ستم مردسالاری شوریدند. فکرش را هم نمی کردند که پس از یک قرن و اندی این جنبش تبدیل به نیرویی شود که نقش خود را بر تمامی عرصه های سیاسی، اجتماعی، فرهنگی اینگونه حک کرده باشد. امروز زنان به نیروی پیش برنده بزرگی تبدیل شده و آن چنان لرزه و شکافی در جامعه مردسالار انداخته اند، که حتی ارتجاع و نیروهای پس مانده تاریخ وحشتزده و عوامفریبانه تغییراتی ظاهری را پذیرفته اند. برای مثال ملاهایی که بر طبق نظرات ارتجاعی خودشان، زن را کشتزار خود برای تولید و موجود «صعیغه» که باید در محدوده ی خانه حبس کنند. می دانستند، حال در مقابل این نیرو، سر خم کرده، عاجز شده و دست به فریبکاری و شیطانی می زنند.

از آن جایی که شیوه برخورد به زنان و جایگاه آنان در جامعه، محکی برای سنجش ترقی و دموکراسی و پیشرفت است. نیروهای ارتجاعی به دست و پا افتاده و سعی در رنگ کاری و وصله پینه زدن به افکار ارتجاعی خودشان نسبت به زنان می کنند.

مبارزه زنان و چشم انداز بی بازگشت برابری جنسی، تفکر کهنه و ارتجاعی در مورد زن را به چالش کشیده است. تقابل دو تفکر در مورد زنان در کشورها و فرهنگهای گوناگون، البته با نسبتهای متفاوت، حیات اجتماعی زنان را به نمایش می گذارد. پس به جاست که بار دیگر به همبستگی با زنانی که این راه پر پیچ و خم و خطیر را می پیمایند، پافشاریم و یاد آن زنانی که بر سر آرمان پر شکوه خود برای تثبیت هویت خود، جان باختند و اکنون در میانمان نیستند را گرامی داریم.

کارنامه دولت خاتمی

اکنون جا دارد نگاهی کوتاه به کارنامه دولت آخوند خاتمی و زنانی که در خدمت ای سیستم مردسالار به این آخوندها خدمت می کنند ببیندیم و ببینیم که تقابل دو تفکر و دو شیوه برخورد نسبت به زنان چه تأثیری بر آنها گذاشته است.

رژیم ارتجاعی ولایت فقیه براساس اندیشه های ارتجاعی خمینی، از همان ابتدای به قدرت رسیدن، با سرکوب زنان و پایمال نمودن حقوق آنان، سعی کرد که این نیروی شورشگر را خاموش کند و به قول معروف می خواست گریه را دم

نگاهی کوتاه به کارنامه

بقیه از صفحه ۷
ورزشی را مدیون افکار روشن بینانه امام خمینی و تلاش خود بانوان است. (ایرنا ۲ خرداد ۷۸) وی در جایی دیگر می گوید: «ما مشکل حکومتی و دولتی در مورد رشد زنان نداریم، مشکل عمده ما مسأله فرهنگی است.» (ایرنا ۱۷ خرداد ۷۸) این حرف فائزه رفسنجانی ما را به یاد حرف پدرش می اندازد که وقتی رئیس جمهور بود گفت: «ما مشکل گرانی نداریم، مشکل ارزانی داریم.»

معصومه ابتکار و موضوع چادر

معصومه ابتکار تنها زن کابینه خاتمی (البته عضو مشاور کابینه) می گوید: «چادر نشان ملی ماست و حجاب برتر است، شایسته و مناسب تر است.» به معصومه ابتکار باید گفت اگر چادر نشان «ملی» ماست، لطفاً از ولی فقیه اجازه بگیرید که یک روز مردم را در پوشش آزاد بگذارد تا معصومه ابتکار ببیند وضع این «نشان ملی» چگونه خواهد شد.

مجلس پنجم و زنان

اکنون نگاهی می اندازیم به نقش زنان در مجلس آخوندی که در دوره اخیرش نه تنها قوانین ضد زن را تغییری نداد بلکه قوانین جدیدی هم به آن افزود. دو طرح ضد زن در سال ۱۳۷۷ از طرف نمایندگان در مجلس مطرح و تصویب شد. طرح مربوط به اصلاح قانون مطبوعات که در آن «استفاده ابزاری از زن در مطبوعات» و همچنین «ایجاد تضاد بین زن و مرد از طریق دفاع خارج از موازین شرعی و قانونی ممنوع اعلام گردید». در اثر فشار افکار عمومی، «ممنوعیت استفاده ابزاری از زن» تبدیل به «ممنوعیت استفاده ابزاری از زن و مرد» گردید.

طرح دیگر طرح انطباق امور پزشکی با موازین شرعی بود که بر طبق آن ارائه خدمات پزشکی و درمانی توسط همجنسان باید باشد.

نگاهی به قوانین و آئین نامه ها و دیگر نهادهای حکومتی و نظرات گردانندگان رژیم نشان می دهد که وضع در تمام دستگاه حکومتی یکسان است.

جداسازیها

بسر طبق بیانیه وزارت آموزش و پرورش: «معلمین کلاس زبان از یک جنس اجازه تدریس به کودکان جنس مخالف خود را در آموزشگاههای خصوصی ندارند. حضور معلمین زن سر کلاس بچه های پسر بالاتر از ده سال ممنوع است.» (خبرگزاری فرانسه ۱۵ فروردین ۷۸)

«مقامات قوه قضائیه از ۱۰۰۳ کاندید، ۱۹۴ مرد و ۱۸ زن را به قضاوت منصوب نمودند. در ماه ژوئن برای اولین بار یک زن به مقام قاضی منصوب شد.» (خبرگزاری آلمان ۱۶ شهریور ۷۷)

البته این زنان تنها مشاور و منشی قاضی هستند و در جمهوری اسلامی زنان از قضاوت محروم هستند.

«نخستین کلانتری ویژه زنان امروز در مشهد گشایش یافت. این کلانتری صرفاً از مأمورین زن و مأموریت آن گذراندن امتحانات رانندگی خانمها، تفتیش بدنی آنها، رسیدگی به امور زندانیان زن، اجرای پوشش اسلامی و مبارزه با فساد اخلاقی است. قرار است در حداقل ۵ شهر بزرگ دیگر کلانتریهای ویژه زنانه ایجاد شود.» (رادیو فرانسه اول شهریور ۷۸)

اینها هم جز افتخارات زهرا شجاعی و خاتمی است که با این جداسازیها در حقیقت سرکوب زنان را سیستماتیزه تر می کنند و به حقوق زنان این گونه پاسخ می دهند.

مظفر وزیر آموزش و پرورش می گوید: «هم اکنون ۴۹/۳ درصد از جمعیت کل کشور زنان، ۴۷ درصد از جمعیت دانش آموزی را دختران و نیز ۴۸ درصد از جمعیت کارمندی کشور را زنان تشکیل می دهند... نرخ اشتغال زنان در کشور ۹ درصد است که ۷۲ درصد از این رقم را زنان شاغل در آموزش و پرورش تشکیل می دهند.» (روزنامه جمهوری اسلامی ۲۲ اردیبهشت ۷۸)

زهرا شجاعی می گوید: «اکنون فقط ۳ دهم درصد از مدیران دستگاههای اجرای را بانوان تشکیل می دهند.» (ایرنا ۳ شهریور ۷۸) در حقیقت اشتغال زنان در ایران آنقدر نازل است که شاید بتوان گفت رقم ۹ درصد هم اغراق آمیز باشد. اشتغال بالا در آموزش و پرورش هم تا آنجا به رژیم برمی گردد برای سیاست جداسازی آموزش مجبور به داشتن مربی و معلم می باشند.

وضع فاجعه بار زنان ایران

«در سال ۷۶ در استان ایلام فقط در ایلام ۳۳۸ مورد رفتار خودکشانه روی داده است که نسبت به سالهای گذشته ۳۷ درصد افزایش نشان می دهد. در این سال ۸۱ درصد از آنان زن بوده اند.» (روزنامه خرداد ۱۷ شهریور ۷۸)

زنان نماینده مجلس

ببینیم زنانی که در مجلس پنجم هستند و خود را برای دوره ششم مجلس آماده کرده اند، چه می گویند؟ به قول معروف آتش آن قدر شور است که آتشپز هم مجبور به اقرار به آن است.

فائزه هاشمی می گوید: «بعضی از نمایندگان زن در مجلس پنجم واقعاً نسبت به حقوق و منافع زنان اهتمام لازم را نداشتند و منافع حزبی و گروهی را به مسائل صنفی ترجیح می دادند.» (همشهری ۱۷ بهمن ۷۸)

فائزه هاشمی که در دغل کاری و فریب راه پدرش را پیش گرفته با این حیلها می خواهد خود را مستقل و مدافع زنان جای بزند.

فاطمه کربویی نماینده مجلس پنجم می گوید: «در قضیه مدیریت یک درصد از مدیریتهای کلان جامعه در اختیار زنان

است... متأسفانه حرفهایی که تا به حال برای دفاع از حقوق زنان گفته شده، در حد شعار باقی مانده و در عمل بسیار ضعیف بوده است.» (نقش زنان در مجلس ششم - همشهری ۱۷ بهمن ۷۸)

فاطمه کربویی به نفعش نیست که اقرار کند اگر این شعارها بخواهد به عمل تبدیل شود، بنیان مجلس آخوندی که او هم خدمتکار آن است، برافکننده خواهد شد.

فاطمه کربویی اضافه می کند: «محدودیتهایی برای خانمها به نام اسلام و دین در جامعه اعمال می شود که مشارکت آنها را در صحنه های اجتماعی و سیاسی کم رنگ می کند...» (همانجا) وی ادامه می دهد که: «اگر به همین نسبت که زنان داوطلب نمایندگی مجلس ششم شده اند به مجلس راه یابند، با توجه به نسبت ۵ درصدی نمایندگان زن دوره پنجم، تنها ۲/۳ درصد به شمار نمایندگان زن مجلس در دوره ششم افزوده خواهد شد.» (همانجا)

حرف فاطمه کربویی درست است. محدودیتهایی وجود دارد. اما او شجاعت این را ندارد که اقرار کند که این فقط محدودیتهای نیست که شرکت زنان را کم رنگ می کند، بلکه اساس و بنیان حکومت آخوندی مانع مشارکت زنان در امر سیاست است. وقتی که الگوی پیشنهادی از طرف آخوندها زنان موجود در مجلس و نهادهای حکومتی باشد، وقتی که این زنان مجبورند به ولی فقیه و ارکان رژیم خدمت کنند، پس طبیعی و مسلم است که جایی برای برابری کامل زن و مرد وجود نخواهد داشت.

زنان و قدرت سیاسی

زنان و قدرت سیاسی در رژیمی که اساس آن بر ولایت فقیه و استبداد مذهبی استوار و قوانین آن بر اساس «شرع الهی» و ساخته مردان، آن هم از ارتجاعی ترین نوع مردان باشد، در انتخاباتی که صلاحیت افراد نه از صندوقهای انتخاباتی بلکه از زدبندیهای سیاسی و ساخت و پاختهای جناحهای حکومتی و براساس نظر شورای نگهبان صورت می گیرد، نه فقط هیچ قانون جدید و مهمی به نفع زنان نمی تواند تصویب شود بلکه نظام ولایت فقیه تحکیم کننده سلطه مردسالاری و تبعیض جنسی است.

در شرایط ایران مسلمانانه زنان مثل سایر کشورها شکل سیاسی پیدا می کند. تحقق خواستههای زنان در گام اول بستگی به بودن یا نبودن این حکومت، بودن و یا نبودن دموکراسی گسترده ربط پیدا می کند. حقوق زنان، جهانشمول است و الگوی زن غربی و شرقی وجود واقعی ندارد و این حقیقی است که حقوق بشر، حقوق زنان است. البته مبارزه برای برابری جنسی راه سختی است که زنان آزاده از پایان قرن ۱۹ آغاز کردند و حال که وارد قرن بیست و یکم شده ایم، همچنان ادامه دارد. این راه احتیاج به لشکری از زنان آگاه و سازمان یافته از همه اقشار و طبقات دارد. اکنون مبارزه زنان برای برابری در سطحی وسیع تر و عالی تر، سیستم کهن را به چالش طلبیده

است و ما زنان برای رسیدن به امر برابری و تغییر در ساختار کهن باید بالاترین و قدرتمندترین نهاد جامعه، یعنی قدرت سیاسی را تغییر دهیم. امروزه مشارکت زنان به این معنی نیست که آنان سرمازبان پیش برنده و کمک کننده مردان برای تحکیم قدرت مردسالاری باشند. مشارکت زنان در سیاست، باید در خدمت دگرگونی نظام کهن و ساختن جامعه ای آزاد که در آن تمامی انواع تبعیض ملغی شود، باشد. این که هر روز زنان به حقوق بیشتری دست می یابند و چشم انداز نقش زنان در جامعه روشنتر از گذشته است، یک شوخی نیست، بلکه امری جدی و واقعی است. البته در جامعه ای که زن توسط مرد استثمار می شود و زن و مرد کارگر هر دو توسط بورژوازی استثمار می شوند، زنان برای گذار از دوران فقر و جنگ و... رسیدن به جهانی عاری از استثمار، نقش تعیین کننده خواهند داشت.

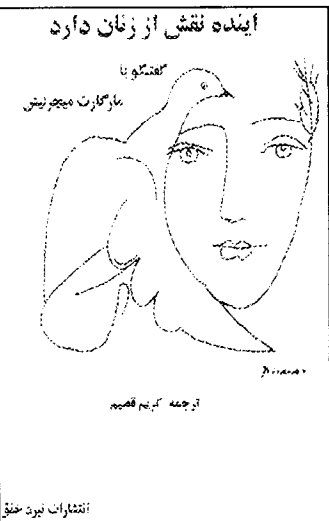
به نظر من در دوران حاضر برای رسیدن به برابری باید هم زمان علیه تبعیض و استثمار جنگید و برای جنگیدن با استثمار باید با جنبش سوسیالیستی پیوند داشت. بار دیگر تاکید می کنم که ما زنان برای ساختن جهانی که بر ارزشهای انسانی، برابری، دوستی، عدالت، عشق و صلح استوار باشد، نقش تعیین کننده خواهیم داشت.

جا دارد که یک بار دیگر یاد زنانی که در اوج قدرت و افسار گسیختگی مردان با جسارت پرچم برابری جنسی را برافراشتند را گرامی داریم.

توضیح: ۱ و ۲، از کتاب وجدان بیدار نوشته اشتفان تسوایک

منتشر شد

آینده نقش از زنان ۵۰ری



آینده نقش از زنان دارد
گفتگو با مارگارت میچرلش
ترجمه: کریم قسیم
ناشر: نبرد خلق

آشنایی با برخی از زنان پیشرو قرن بیستم

به مناسبت آغاز سال ۲۰۰۰

— لیلیا

گزارش زیر به منظور آشنایی مختصر با زندگی زنانی است که اگر چه با نام برخی از آنان به خاطر تأثیرات بزرگی که در جوامع مختلف گذاشته اند آشنا هستیم، اما با نام بسیاری از آنان نیز آشنایی چندانی نداریم. اما آنها بنا بر شرایط اجتماعی، اقتصادی و سیاسی که در آن زیسته، توانسته اند حداکثر شعور، قدرت، درک و تواناییهای خود را جهت تأثیرگذاری و یا تغییر وضعیت موجود استفاده کنند و بدین طریق دستاوردهای چشمگیری نیز داشته اند. آنان الهام بخش بسیاری از زنان جهان بوده و نمونه های زنده ای برای مهمل شمردن نظرات ارتجاعی که زن را موجودی ضعیف و دست دوم و نابرابر با مردان می دانند، می باشند.

بسی کلن

او یک زن سیاهپوست آمریکایی بود که در ایالات متحده آمریکا نمی توانست اجازه خلبانی بگیرد. او زبان فرانسوی را پیش خود آموخت و سپس راهی پاریس گشت. در سال ۱۹۲۱ او اولین زن آفریقایی - آمریکایی بود که توانست مدرک خلبانی را دریافت کند. پس از آن فوراً برای تأسیس مدرسه خلبانی برای سیاهان آمریکا اقدام کرد. درست زمانی که تقریباً همه بودجه این مدرسه را تهیه کرده بود در یک پرواز که جهت جمع آوری کمک مالی برای این دانشگاه انجام می داد، هواپیمای او سقوط کرد و جان باخت.

ولنیاتر شکوا

او اولین زنی بود که به فضا رفت و در سال ۱۹۶۳، ۴۸ بار به دور کره زمین گشت. ۲۰ سال بعد در سال ۱۹۸۳ زنی آمریکایی به نام سال رایید این سفر فراموش نشدنی را تکرار کرد.

تونی موریسون

او یکی از بهترین داستان نویسان آفریقایی - آمریکایی است. روابط حساس بین سیاهان و سفیدپوستان موضوع اصلی نوشته های اوست. در نویسندگی دارای سبکی شفاف و قاطع می باشد. از میان کتابهای او (1987) *Sonj Saloman Beloved* . (1977) را می توان به عنوان بهترین های او نام برد. تونی موریسون در سال ۱۹۹۳ برنده جایزه نوبل در ادبیات شد.

ماریا مانتسوری

او پزشک و معلم ایتالیایی بود که به چندین مقام چشمگیر اول دست

یافت. او که متولد سال ۱۸۷۰ بود در سال ۱۸۹۶ اولین زنی شد که در ایتالیا مدرک پزشکی را دریافت کرد. مایامانتسوری در کار و پرورش کودکان و یا بزرگسالان عقب مانده و یا کسانی که دیگر امیدی به یاری آنها نبود متدهای متنوعی را به کار برد و سرانجام متد جدید و مؤثری را برای آموزش تدوین کرد. این متد بر پایه دادن آزادی به کودکان برای یادگیری بنا بر سرعت و توانایی شخصی اما در عین حال راهنمایی آنان بود. شیوه آموزش او بسیار مؤثر واقع شد. او از ایتالیا به اسپانیا و آسیای جنوبی سفر کرد و سیستم آموزشی خود را به مردم بسیاری آموخت. امروز سیستم مانتسوری در سراسر جهان محبوب بوده و به کار گرفته می شود. ماریا مانتسوری در سال ۱۹۵۲ درگذشت.

گابریلا میس ترال

او اولین زن آمریکایی لاتین است که برنده جایزه نوبل در ادبیات شد. گابریلا شاعر و نویسنده ادبیات کودکان با این که صدای مردم آمریکای لاتین را به گوش می رساند اما نوشته هایش متعلق به مردم سراسر جهان است. از کارهای مهم او - (1922) *Desolacion Tala* - (1938) - (1954) *Lagar* می باشد. او در سال ۱۹۵۰ سفیر شیلی در سازمان ملل گشت و در سال ۱۹۵۷ در سن ۶۸ سالگی درگذشت.

کارن دانیلسون هررنی

او روانشناس آلمانی فمینیستی بود که تئوریهای فروید را به چالش کشید. او معتقد بود که زنان آفریننده های اصلی کودکان هستند و به خاطر تحمل بارداری نقش برتری را ایفا می کنند. کارن هررنی این ایده که رشد جنسی زنان ضعیف تر از مردان است را رد کرد. تحلیل گران علم روانشناسی او را رادیکال و تهدیدآمیز می دانستند ولی با این حال او توانست در شهر نیویورک مطب روانشناسی موفقیت آمیزی را اداره کند و به تدریس در انستیتو روانشناسی نیویورک بپردازد. کارن دانیلسون هتئورنی واریک فرام مؤس نشریه *American Journal of Psychology* بودند. کارن دانیلسون هررنی در سال ۱۹۵۲ در سن ۶۷ سالگی درگذشت.

ادری هیورن

ادری هیورن در سال ۱۹۲۹ متولد شد و کار خود را با مدلی و هنرپیشگی در سن ۲۲ سالگی شروع کرد و نهایتاً تبدیل به بزرگترین هنرپیشه هالیوود گشت. فیلمهای (1954) *Sabrina* و جنگ و صلح (۱۹۵۶) *My fair and Lady* (1964) از بهترین فیلمهای او هستند. ادری هیورن در سال ۱۹۸۸ به خاطر ایفای نقش اش در فیلم *Roman Holiday* برنده جایزه آکادمی بهترین هنرپیشه گشت. بعدها به خاطر

فعالیتهايش سفیر سازمان ملل در بنیاد خیریه کودکان گشت و سالهای آخر زندگی خود را جهت کمک به کودکان فقیر کشورهای فقیر به سر برد و در سال ۱۹۹۳ درگذشت.

کارولینا ماریا دجیوس

او نویسنده برزیلی است که در هنگام جوانی مادرش اصرار زیادی ورزید که او را برای یادگیری خواندن و نوشتن به مدرسه بفرستد. در بزرگسالی او به همراه ۳ فرزندش در خرابه های فقیرنشین *sano Paulo* زندگی کردند. سپس تدریجاً برای فرار از زندگی رقت بارش شروع به سرودن شعر کرد و بعد اقدام به نمایشنامه و داستان نویسی در مورد موضوعهای گوناگون کرد. کارولینا از زندگی در زاغه های فقیرنشین خاطرات خود را به تحریری درآورد. در این خاطرات سیستم اقتصادی ناعادلانه دولت برزیل را مورد انتقاد قرار داد. نوشته های او اجازه چاپ دریافت نکرد اما سرانجام خاطرات او به صورت کتابی منتشر شد که این کتاب تبدیل به پر فروش ترین کتاب در تاریخ برزیل گشت.

ماری کوری

درست سه سال پس از ابداع جایزه نوبل، ماری کوری اولین زنی بود که این جایزه را گرفت. در سال ۱۹۱۱ او بار دیگر همان جایزه را در علم شیمی به خاطر اکتشافهایش در عناصر جدید رادیو اکتیو و مطالعاتش در خاصیت شیمیایی رادیوم به دست آورد. او تنها زنیست که تا به حال برنده ۲ جایزه نوبل گشته است.

ویرجینیا اپکار

او متد آپکاراسکور را ابداع کرد. این متد به آگاهی یافتن به وضعیت سلامتی کودکان تازه متولد شده کمک می کند و توسط آن پزشکان می توانند دریابند که نوزاد به مراقبتهای خاصی احتیاج دارد. با استفاده از این متد، رنگ پوست، نبض و تنفس کودکان در ۵ دقیقه اول زندگی کودکان معلوم می شود. به کارگیری این متد سبب نجات جان کودکان بیشمار در سراسر جهان گشته است.

لوسیا گیتولو

او از فعالان جنبش کارگری پورتوریکو بود که پیش از انقلاب کوبا به خاطر پوشیدن شلوار مردانه دستگیر می شود و سپس به جرم سازماندهی کارگران کوبایی از کوبا اخراج می شود.

مارگارت مک گرگور

در ۱۹ اکتبر ۱۹۹۹ او اولین زنی بود که در یک مسابقه بوکس مردی را شکست داد. او در تمام ۴ راند که کمتر از ۲ دقیقه طول کشید رقیب خود را شکست داد. هر دو طرف در وزن ۱۲۵ پوند قرار داشتند. □

زنان و قوانین ضد بشری حاکم بر ایران

— شیده جندقیان

با یک نگاه اجمالی بر تاریخ ایران، می توان نادیده گرفته شدن نقش مهم و اساسی زنان را در جنبه های مختلف فرهنگی، اجتماعی، سیاسی و اقتصادی و عدم برخورداری آنها از حقوق مساوی با مردان را در این زمینه ها به وضوح مشاهده کرد. زنان همواره توسط قانونگذارهای ناعادلانه در حاشیه قرار گرفته و از شرکت در فعالیتهای متفاوت اجتماعی نیز محروم شده اند. نیروی آنها محدود به چارچوب قوانین خاص و اکثراً در خدمت جنس مذکر صرف شده است. در حالی که اگر لحظه ای جایگاه زنان و مردان در تاریخ عوض می شد، حالا فهرست اسامی بزرگان تاریخ ملو از نام زنان می بود، کما این که هر گاه زنان فرصتی هر چند کوتاه یافته اند به نوعی لیاقت تواناییهای خود را نشان داده اند. از سوی دیگر، در حالی که هدف قانونگذاران در این سوی مرزها تنظیم قوانینی برای بهتر زیستن بشر در راستای دستیابی به جامعه ایده ال و بر پایه عدالت اجتماعی می باشد، قانونگذاران ایران قوانین اساسی جامعه را بر پایه تفکرات مذهبی و سنت گرایبی وضع کرده اند که در جهت سرکوبی نیروها به ویژه زنان و افکار عمومی جامعه و عقب نگهداشتن آنها می باشند بدین گونه پایه های حکومت دیکتاتوری را با استثمار افراد جامعه محکم تر می کنند. جای تأسف است که در مسالکی چون ایران هنوز ابتدایی ترین حقوق انسانی که سالهاست در جوامع پیشرفته متحول شده و در جهت سعادت بشر تنظیم شده اند، مورد سؤال می باشند و تحت قوانین غیر انسانی حکم و اجرا می شوند، به طوری که از ورود افکار جدید و اشاعه عقاید نو در جامعه ممانعت کرده و با تجددطلبی مقابله می کنند. بدین طریق مروج افکار مردسالاری در جامعه بسته تک بدی می شوند که زمینه را برای تضاد بین دو جنس زن و مرد و در نهایت تبعیض جنسیتی آماده می سازند. یعنی با وضع قوانین تک سویه که در جهت تأمین منافع حاصل از تفکر مردسالاری می باشد، ابتدا زن را از طریق مرد تحت تسلط خود درمی آورند که بارزترین آن قوانین خانواده است و سپس از طریق حاکمیت فرد بر فرد که به نوعی رواج خرده دیکتاتوری در بین افراد جامعه است (پدر بر مادر، برادر بر خواهر، شوهر بر زن) موجب تشدید و تقویت فرهنگ زورگویی و زورشنوی می شوند و در آخر زمینه را برای هرگونه سوء استفاده به نفع خویش آماده می سازند. در طی ۲۱ سال اخیر که بخش مهمی از تاریخ ایران را تشکیل می دهد این روند به وضوح دیده می شود که حکومت استبدادی و مذهبی ایران با قوانین اساسی بر پایه دکماتیسیم مذهبی و سنتی که در راستای تزویج و تحکیم تفکر زن ستیزی می باشند، نه تنها نقش زنان در جامعه را بیش از پیش کم اهمیت جلوه داده بلکه ظلم و ستم بر آنان را شروع و رسمی کرده است. حال آن که در طی همین سالهای اخیر با مهاجرتهای زنان به خارج از کشور می توان نقش زنان و عرضه تواناییهایشان را در فعالیتهای اجتماعی خارج از وطن به خوبی مشاهده کرد. این نیروهای

بقیه در صفحه ۱۰

دگرگونی در دنیای اسلام و تأثیر آن بر جامعه، خانواده و زنان

نویسنده: دیل ایکل من
منبع: فصل نامه تاریخ معاصر
تاریخ: ژانویه ۲۰۰۰
ترجمه: لیلیا

درست مانند ظهور ماشینهای چاپ در اروپای قرن شانزدهم، وسایل ارتباط جمعی مدرن، دنیای اسلام را دگرگون کرده است. از استامبول گرفته تا پارس و تا کوهستانهای دورافتاده عمان، از اندونزی، آفریقای شمالی، آسیای مرکزی و هند و... همه جا اصول پایه ای باورهای اسلامی آنچنان مورد بحث و تحقیق قرار گرفته که گذشتگان پیرو این دین هرگز خواب آن را هم نمی دیدند.

بحثهایی مانند بنیادگرایی، غرب علیه بقیه جهان و غیره تدریجاً در بطن این دگرگونیها خاصیت خود را از دست می دهد. حدود یک میلیارد مسلمان در جهان همه روزه به خاطر امکانات ارتباطی سهل تری که به وجود آمده به اطلاعات و دانشهای جدیدی در مورد مذهب دست می یابند. کشورها، دولتها و مقامات و رهبران مذهبی دیگر قادر نیستند ابزار فرهنگ بی سوادی را تحت کنترل خود قرار دهند.

کنترل از دست رفته است پس از این دیگر دولتها نمی توانند قادر نخواهند بود افکار مردم و آنچه که آنان می آموزند را تحت کنترل خود قرار دهند. آنچه که بیش از هر چیز وجه تمایز دنیای گذشته و دنیای حال است وجود بیشمار مردمیست که معتقد به «بازسازی» دین و جامعه هستند. در گذشته تحولات و تغییرات اساسی در ایده ها و تئوریهای «بالا به پایین» و به صورت ایدئولوژیهای رسمی بود. رهبران سیاسی مذهبی نسخه نویسی می کردند و مردم دنباله روی. در اواخر قرن بیستم تغییرات اساسی در دین و سیاست از «پایین» آغاز گشت.

اسلام در عصر «مدرن»
وسایل ارتباط جمعی و آموزش و پرورش همگانی در دنیای مدرن، آگاهی به پدیده های نو و غیر قراردادی را آسان کرده و در تغییر شکل و محتوی افکار و اعمال مذهبی تأثیرگذار بوده و آنچنان فضایی را برای انسانها ایجاد کرده که آنان را به دگراندیشی تشویق می کند.

اگر چه وسایل ارتباط جمعی و تحصیل علم و دانش برای تمامی ادیان جهان دارای اهمیت بوده است، اما تأثیر آن در دنیای اسلام فقط از نیمه قرن اخیر احساس گشت آنهم در بسیاری از کشورها حتی دیرتر از آن. برای مثال مراکش تنها پس از به دست آوردن استقلال خود در سال ۱۹۵۶ خود را به سوادآموزی برای همه موظف کرد و با این که در سال ۱۹۵۷ فقط ۱۳ هزار نفر دوره متوسطه مدرسه را به پایان رساندند و تعداد بسیار کمی هم وارد دانشگاه شدند اما در سال ۱۹۶۵ بیش از ۲۰۰ هزار دانش آموز در دوره متوسطه تحصیل می کردند و حدود ۲۰ هزار نفر در دانشگاهها، در سال ۱۹۹۲ تعداد دانش آموزان دوره متوسطه به ۱/۵ میلیون و دانشگاهیان به ۲۴۰ هزار نفر رسید و با این که درصد بی سوادی هنوز بالاست یعنی ۴۳ درصد برای مردان

«قانع کننده ترین نوشته برای تغییر تئوریهای اسلامی» خطاب کرد. شاهرور در کتابش می نویسد: «برای سالها مردم می پنداشتند که خورشید به دور زمین می گردد تا این که یک نفر پیدا شد و برعکس آن را گفت. او گفت که زمین به دور خورشید می چرخد. پس از ۲۵ سال مطالعه و تحقیق یک باره به مغزم خطور کرد که ما مسلمانان در ایده های تبعیض گرانه خود حبس شده ایم و بسیاری از ایده های ما نیز کاملاً برعکس واقعیات است.»

شاهرور در مورد نقش زنان در جامعه و یا در مورد برخورد با غیر مسلمانان می نویسد که: «ما باید احکام کتابهای مقدس را با جامعه مدرن تطبیق دهیم و مسلمانان نباید رشد تاریخی را فراموش کنند». البته شاهرور اولین کسی نیست که احکام فرموله شده و شریعت جامد را رد می کند. صادق جلال الفرم یک متفکر سکولار این مسائل را نیز مطرح کرده است. در تاریخ ۲۷ ماه مه ۱۹۹۷ یک مناظره تلویزیونی بین او و شیخ یوسف القارادائی که یک محافظه کار مذهبی اهل قطر است صورت گرفت که از طریق تلویزیون ماهواره ای الجزیره پخش شد. در این برنامه با نام «مسیر تضاد» برای اولین بار نظرات شیخ یوسف محافظه کار و صادق الفرم در مقابل هم قرار گرفت و شیخ یوسف از نظر اکثریت تماشاگران ضعیفتر و با لحنی تدافعی جلوه کرد.

الجزیره یک پدیده جدید در پخش تلویزیونی به زبان عربی بود. شعرهایی از قبیل «مسیر تضاد» که دارای منازعات بین دو تفکر متفاوت است را به طور مستقیم آنهم در مورد مسائل حساسی مانند نقش زنان در جامعه، چند همسری، آوارگان فلسطینی، تحریم عراق، دموکراسی و حقوق بشر در دنیای عرب را مطرح می کند. امکان پخش چنین برنامه هایی در تلویزیونهای دولتی که برنامه های مربوط به دین و سیاست با دقت کنترل و تهیه می شوند وجود ندارد. بدین طریق با وجود تکنولوژی ماهواره ای و نوار ویدئو سانسور سنتی و مرسوم دیگر بی اثر گشته است.

عبور ایده ها از مرزها

نوارهای این برنامه های ماهواره ای هم اکنون دست به دست در بین مردم کشورهای نظیر مراکش، عمان، سوریه، اردن، مصر و دیگر نقاط می گردد. تلویزیون نشان می دهد که مردم سراسر دنیای عرب مانند هم دینان خود در دیگر کشورهای اسلامی خواستار بحثهای باز و آزاد در مورد مسائل مربوط به زندگی خود هستند و تکنولوژی جدید ارتباطی دولتها و مراکز مذهبی را از جلوگیری آن ناتوان می گرداند. بحثهای متداوم از طریق روزنامه ها، شبکه اینترنت، نوارهای قاجاقی، و تلویزیون ماهواره ای همگی فضا و محیط جدیدی برای مردم ایجاد کرده است. این وسایل مدرن ارتباطی موضوعات مربوط به دین و سیاست را در سطح جهانی مطرح کرده اند و مردم را به رفتاری جدید و متفاوت کشانده است رفتاری که دیگر تحت کنترل مقامات دولتی نمی تواند باشد. □

من زنده ام

— روح انگیز

در این دنیای هستی من زنده ام
زبانم تند و تیز، در دستانم سلاح
سلاحم قلم، سلاحم کلام
در این دنیای هستی من زنده ام
دریغ از آن لحظه که نبینی مرا
دریغ از آن روزی که نشنوی کلامم
اگر خواهی ببین مرا، بخوان کتابم
اگر خواهی شناسی مرا گوش کم کلامم
من آن جویبار روانم در کوهها
من آن رود روانم در دشتها و بیابانها
من آن دریای خروشانم در جهان
من آنم که خبر دهم از آزادی



طرح: فرنگیس

زنان و قوانین ضد بشری ...

بقیه از صفحه ۹
نهفته در ایران که به خاطر قوانین منظم، هدر رفته و سرکوب می شوند، هنگامی که پس از خروج از ایران در چارچوب قانون دیگری قرار می گیرند و در جامعه ای به دور از تعصبات و تبعیض جنسیتی امکان فعالیت می یابند، با وجود سربما خود را با وضعیت موجود تطبیق داده و در زمینه های کاری و تحصیلی جای گرفته و رشد می کنند. ۲۱ سال از وضع قوانین متحجر و قرون وسطایی حاکم بر ایران که میلیونها زن بی گناه را تحت سلطه حکومت خودکامه خود درآورده و سبب ناهنجاریها و نارسائیهای سهمناکی در جامعه شده است، می گذرد. چه بسیار زنانی که به خاطر محرومیت از مسلم ترین حقوق خود یعنی آزادی و برابری فدا شده اند و چه بسیار سرنوشتهایی که به خاطر قوانین ضد بشری سیاه رقم زده می شوند. زنان ایران همواره به عنوان گوناگون خواستار تغییرات اساسی قوانین ضد انسانی نظام استبداد حاکم هستند و برای رسیدن به برابری دست یافتن به حقوق انسانی خود به هر طریقی می کوشند تا در قالبهای متفاوت، در جامعه چه در داخل و چه در خارج از ایران مبارزه کنند و این مبارزه برای تحقق بخشیدن به اجرای حقیقی قوانین حقوق بشری بین المللی در ایران است. □

برگزاری بیست و نهمین سالگرد حماسه سیاهکل

سخنرانی رفیق مهدی سامع در مراسم گرامیداشت قیام سیاهکل

— جعفر پویه

بعد از ظهر روز یکشنبه ۱۷ بهمن ۷۸، بیست و نهمین سالگرد قیام سیاهکل در فضایی سرشار از صمیمیت، شور و مهربانی با استقبال اقشار مختلف ایرانیان، اعضا و هواداران سازمان به ویژه فعالان مستقل چپ، در هلند برگزار شد. دید و بازدیدها همراه با بوسه هایی صمیمی نشان از دیدار رفقای بود که در اینجا یکدیگر را باز یافته بودند. تعدادی در گرد یکدیگر حکایت روز و روزگار خود را می گفتند و با ذکر خاطره ای جمع را در همدلی به گذشته ای می بردند که انگار گذر زمان آن را به تاریخ تبدیل کرده است. کسانی احوال پرس عزیزانی بودند که ممکن بود یکی از ما نشانی از او داشته باشیم. یکی مغموم و دیگری شادمان و جمع در پرس و جوی و احوال پرسی، آری ما خانواده ای بزرگ هستیم که از پس یک دوره فترت حالا گرد هم آمده ایم تا بر اثر مهربانیهای خود دیدار عزیزانی را تازه کنیم که در خزان ساختی از جهل پاسداران تباہی و در توفان پیا خاسته از ترک تازیهای مبرمان «بهشت موعود» ترک دیار کرده اند تا صدای مظلومیت مردمی باشند که در تلاش برای آزادی، قربانیان ضدانسانی ترین حکومت در دهه پایانی این قرن هستند. آری ما برآینم که با زودن زنگار سالها دوری دوباره عطر رفقاقت و هم پیمانی را در مشام جان خویش تازه کنیم که در این زمانه جور و ستم، قتل و کشتار و شکنجه چیزی زیباتر از یاد و دیدار یاران نیست. سالن گرم هرم نفسهای انسانی ست. دیوارهای ورودی سالن با عکسهایی از مبارزات دانشجویان در تیرماه گذشته که به صورت نمایشگاه عکس ترتیب داده شده است پوشیده شده است. دانشجوی دختری بی هوش در دستهای نگران پسری دانشجوی و جمعی نگران از بی آنان، نشان از بهم ریختن تمام معادلاتی دارد که حکومت اسلامی در بیست و یک سال عمر خود آن را تبلیغ کرده است. عکس معروف احمد باطنی با زیرپیراهنی خونین در دست در سر در سالن، و قتل و کشتار دانشجویان را فریاد می کند. کتابهایی سوخته دربهای شکسته اتاقهای داغان شده، نشانه عدالت اسلامی است در کوی دانشگاه و تظاهراتی که در حمایت وسیع مردم انجام گرفته نشانی از طرد حاکمان زورمدار ایران. و این همه به همت کانون فعالان سازمان در هلند تهیه شده برای واگویی کردن مبارزات دانشجویی که بخشی از جنبش

رفقا، خانمها، آقایان، سلام. از این که دعوت سازمان ما را برای شرکت در مراسم بزرگداشت قیام سیاهکل پذیرفتید تشکر می کنم. من به عنوان یک جزء کوچک از جنبش پیشتاز فدایی افتخار می کنم که می توانم در این مراسم شرکت کنم، صحبت کنم و یاد کسانی را که رویداد سیاهکل را آفریدند را گرامی دارم. صحبت های من پیرامون گرامیداشت قیام سیاهکل است که در ادامه آن به تاثیر این رویداد در جنبش اجتماعی مردم ایران می پردازم و در پایان نظر خودم را پیرامون درسی که از قیام سیاهکل برای امروز می توان گرفت را به طور مختصر بیان می کنم. یک رویداد که در گذشته اتفاق افتاده را می توان به طرق مختلف گرامی داشت. نوع و زاویه نگاه ما به یک رویداد تاریخی، نگرش امروز ما را تعیین می کند. ما می توانیم بر طبق عادت معمولی به روضه خوانیهای بی محتوا پیرامون آن رویداد بپردازیم، در خلسه رویدادی که قهرمانان آفریده شده خودمان را ارضاء کنیم و یا به رویاهای زیبا اما دور، خودمان را سرگرم کنیم و در خساری آن چه باید دیگران برای آینده بیافرینند فرو رویم. اصولا انسانها به طور معمول این گونه هستند. یا به گذشته های خیلی دور مراجعه می کنند و یا به آینده های خیلی دورتر. در زندگی روزمره ما بسیار آدمها برخورد می کنیم که از قهرمانیهای اساطیر یاد می کنند، کسانی که از معجزات موسی، عیسی و محمد و یا حتی مراکس، انگلس و لنین حرف می زنند و یا از آدمهایی حرف می زنند که در آینده زاده خواهند شد تا بشریت را نجات دهند. انسانها عموما شرایط سخت و طاقت فرسای کنونی را تحمل می کنند به امید آن که روزی مدینه فاضله آنها آفریده شود، یا به بهشت خود راه یابند و یا به ارض موعود خود برسند. این نوعی از بزرگداشت است. در این شیوه یک پدیده که در زمان خود زنده و دارای دینامیس خاصی بوده، امروز به صورت یک پدیده منجمد شده، دگم شده، درمی آید.

کسانی که این گونه به بزرگداشت رویدادهای تاریخی می پردازند، می توانند از نظر ادعا، خود را صاحبان مذهب، مسلک و یا ایدئولوژیهای مختلف بدانند. اما در عمل همه ی آنها هیچ پیامی در گرامی داشتشان برای لحظه کنونی ندارند. در واقع این گونه گرامی داشت یعنی سنگر گرفتن در پشت میراثی که از گذشته به ارث رسیده برای پنهان کردن سالوس منشی و ریاکاری امروز و البته محصول این گونه بزرگداشتها چیزی جز نهادینه شدن بربریت، خرافات و جاویدان شدن ستم نیست. ما با این گونه بزرگداشت نمی توانیم موافق باشیم. البته قیام سیاهکل را گرامی می داریم ولی حرف و مساله اصلی ما در این بزرگداشت این است که قیام سیاهکل چه تاثیری در مبارزه مردم ایران داشته است و چه درسی امروز می توان از آن گرفت. فکر می کنم آنهایی که قیام سیاهکل را آفریدند، آنهایی که سازمان ما و جنبش پیشتاز فدایی را بنیاد نهادند، انسانهایی مثل ما بودند، انسانهایی با تواناییها و ناتوانیهای مشخص. آن چه پیرامون بزرگداشت قیام سیاهکل مهم است این است که به این سؤال جواب دهیم که آیا رویداد سیاهکل و جریان بعد از آن، یعنی تلاشهای جنبش پیشتاز فدایی طی سالهای ۴۹ تا ۵۷ تاثیری در مبارزه مردم ایران که طی یک صد سال گذشته برای آزادی پیکار کرده اند داشته است یا نه؟ و آیا این تاثیر مثبت بوده، یعنی این مبارزه را گامهایی به پیش برده و یا منفی بوده که در نتیجه آن را به عقب برده است. بستگی به این که به این سؤال چگونه جواب دهیم، بعدا باید به این سؤال پاسخ دهیم که از آن رویداد، چه درسی برای امروز می گیریم. من برای این که به این سؤالها پاسخ دهم از یکی از نظریه پردازان عصر روشنگری کهک می گیرم. «دلیر باش کانت می گوید: «دلیر باش در به کارگیری فهم خویش. این است شعار روشنگری» فکر می کنم این باید شعار هر پیکارگر راه آزادی باشد. کانت بعدا توضیح می دهد که عوامل و نیروهای هستند که مانع این می شوند که انسانها در به کارگیری فهم خویش دلیر باشند. این عوامل و نیروها نمی گذارند و نمی خواهند که حقیقت همانگونه که هست در ذهن انسانها انعکاس پیدا کند و بنابراین در آموزشهای خود می گویند باید برای تو تصمیم گرفته شود و انسانها احتیاج به «قیم» دارند. آموزشها و تئوریهای ارتجاعی و بازدارنده بر این اصل استوار هستند که این انسانها نیستند که خود سازندگان تاریخ هستند. بلکه این اراده های برتر و قیمها هستند که جامعه را می سازند و بنا براین به مردم به طور مداوم گوشزد می کنند که نباید پای خود را از چارچوبهای تعیین شده بیرون بگذارید. نیروهای مدافع جهل و بردگی تمام تلاششان این است که شور ریسک کردن، شور حرکت و عشق به تغییر را در انسانها نابود کنند. از توده ها موجوداتی بسازند که از افت و خیز، از زمین خوردن و بلند شدن از زندگی در موج و توفان و از هر آنچه می تواند آینده ای سعادت بار برای بشریت بسازد گریزان شوند. یادم می آید در ابتدای به قدرت رسیدن خمینی، یکی از اعضای سازمان که از همان سال ۱۳۵۵ به حزب تسوده پیوسته بود را دیدم. با هم مقداری حرف زدیم. از میان حرفهای او یک نکته که به بحث امروز ما برمی گردد جالب بود. او می گفت کشور ما جزئی از این جهان بزرگ است که در آن تضاد بین اردوگاه سوسیالیسم و اردوگاه امپریالیسم تعیین کننده است و از آنجا که اردوگاه سوسیالیسم (اتحاد شوروی سابق) نیروی بالنده است، سرانجام قدرت را یکی پس از یکی از حلقها پس می دهد. او اضافه می کرد که ما نمی توانیم نقش مهمی در این حرکت داشته باشیم و فقط باید آماده باشیم تا روزی که اتحاد شوروی تصمیم بگیرد و نوبت آزادی ایران فرا رسد. بقیه در صفحه ۱۲

بقیه از صفحه ۱۱

او اروپای شرقی و افغانستان را برای صحت حرفهای خود مثال می زد. ملاحظه می کنید که جریانها، افراد و نیروهای بازدارنده می توانند ادعاهای دهان پرکنی داشته باشند. ولی در عمل مانع بروز خلاقیتها و استعدادها توده های مردم برای ساختن یک جامعه آزاد شوند. خواست نیروهای بازدارنده و ارتجاعی این است که زندگی توده های مردم هر چه دردآلودتر، هر چه لجن آلودتر باشد. این نیروهای مبلغ و مروج فردگرایی نازا، جهل و خرافات، ستم و بردگی می باشند. در مقابل این نیروهای بازدارنده، افراد و جریانهای پیدای می شوند که شهامت به کارگیری فهم خویش را دارند. در مقابل بربریت، ستم، جهل، تبعیض و خرافات شورش می کنند. آزادی را انتخاب می کنند، چون ضرورت را درک می کنند. در حقیقت این دسته افراد و جریانها می دانند که آزادی جان و اندیشه در عمل تبلور می یابد و می دانند که بدون عمل، بدون تلاش برای تغییر خود و جهان صحبت از آزادی و برابری یک لفاظی بی محتوا و یک حرف پوچ بیش نیست. این دسته از افراد و جریانها به نیروهای پاسدار جهل و بردگی و ستم و استثمار نه می گویند. و بدینسان در ساختن تاریخ بشری مداخله می کنند. کسانی که قیام سياهکل را آفرینند و ما امروز یاد آنان را گرامی می داریم از این دسته افراد بودند. آنان در شامگاه روز ۱۹ بهمن سال ۱۳۴۹ به پاسگاه ژاندارمری در دهکده سياهکل واقع در حومه لاهیجان حمله کردند و آن را خلع سلاح نمودند. با این حرکت جنبش پیشتاز فدایی تولد یافت. رفقای فدایی که جنبش پیشتاز فدایی را بنیاد گذاشتند و قیام سياهکل را آفریدند. از آن دسته افرادی بودند که به گفته رفیق امیر پرویز پویان تاریخ را توالی فصول نمی دانستند. آنان تاریخ را توالی چشم اندازهای بی بازگشتی می دانستند که انسانها می توانند و باید در آن مداخله کنند و آن را به سود خود متحول کنند. آفرینندگان قیام سياهکل، زنان و مردانی بودند که در جستجوی حقیقت و برای بر کرسی نشاندن حقیقت که همان آزادی و رهایی انسان است به تلاش و مبارزه پیگیر و مداوم اعتقاد داشتند. آنان نه فقط دشمن جباران و ستمگران و نه فقط دشمن جهل و خرافات، بلکه علیه تمامی نظریه پردازانی که درصدد بودند تا با انجماد مارکسیسم، بی عملی خود را توجیه کنند، مبارزه می کردند. آنهايي که قیام سياهکل را آفرینند، انسانهایی بودند که سرخوشی، چالاکي، تسلیم ناپذیری و در جوش و خروش بودن برای مداخله در تحولات بزرگ به سود سعادت بشریت را برگزیده بودند و می دانستند که با هر مداخله جدی در حرکت جامعه بشری، شرایط جدیدی ایجاد می شود که باید برای تغییر آن شرایط جدید، اندیشه جدید به کار گرفت.

تا آب شدم سراب دیدم خود را دریا که شدم، حباب دیدم خود را آگاه شدم، غفلت خود را دیدم بیدار شدم، به خواب دیدم خود را حماسه آفرینان سياهکل و به طور کلی جنبش پیشتاز فدایی جز، بسیار کوچکی از تلاش بشریت برای دستیابی به سعادت انسانها است. تاریخ بشر، تاریخ میلیونها انسانی است که به جباران و ستمگران نه گفتند و به خاطر آن که حاضر بودند بهای حرفهای خویش را بپردازند، در راهی که پای گذاشته بودند جان بختند. ما در باره جنبش اسپارتاکوس در دوران برده داری و هزاران قیام دهقانی و بعد از آن هزاران هزار جنبش کارگری در سراسر جهان بسیار خوانده ایم و شنیده ایم. ما می دانیم که در قرون وسطا بسیاری از کسانی که در راه دستیابی به حقیقت گام گذاشته بودند، توسط کلیسا در آتش سوزانده شدند. افسردی مثل ژودارنویرو و سروه در تلی از آتش جان باختند. گالیله را وادار کردند تا در کلیسا و در مقابل کشیشها توبه کند مثل امروز که شکنجه گران افراد بسیاری را وادار می کنند که بر صفحه تلویزیون ظاهر شوند و از رفتار و کردار خود اظهار ندامت کنند اما این تلاشها نمی تواند در پیشرفت راه بشریت برای دستیابی به دنیایی عاری از ظلم و ستم کارساز باشد. به کشور خودمان و تاریخ ایران نگاه کنیم. از مزدکیان و مانویان تا بابک خرم الدین و بعدها جنبش سرداران و هزاران جنبش عدالت طلبانه تا آستانه انقلاب مشروطه و بعد از آن طی یک صد سال اخیر جنبشهای بزرگ مردم کشور ما برای ترقی، آزادی، عدالت و پیشرفت. همه ی ما نام زنی شجاع به نام طاهره قره العین را شنیده ایم. او از اولین زنانی بود که در تاریخ جدید ایران به قدرتمندان نه گفت. ما با اندیشمند و مبارز بزرگ دکتر تقی ارانی که این روزها سالروز شهادتش به دست مزدوران رژیم رضا شاه می باشد آشنا هستیم. طی صد سال گذشته بیشمار زنان و مردان ایرانی، حماسه سازان راه آزادی مردم میهن ما بودند در دوران دیکتاتوری محمدرضا شاه و پس از کودتای ننگین ۲۸ مرداد سال ۱۳۳۲ بسیاری از برجسته ترین ایرانیان به جرم مبارزه برای دموکراسی، عدالت و پیشرفت به دست مزدوران رژیم شاه به شهادت رسیدند و پس از سرنگونی رژیم شاه، خمینی و ادامه دهندگان راه او بیشمار زنان و مردانی که به استعداد مذهبی نه گفتند را به شهادت رساندند. هر کدام از ما می توانیم نام صدها انسان دلیر را ردیف کنیم از دکتر حسین فاطمی، سرهنگ سیامک، مسعود احمدزاده، پویان، جزئی، غزال آیتی، مهرنوش ابراهیمی، صفایی فراهانی، حمید اشرف، خشایار سنجرى، نسترن آل آقا، اعظم روحی آهنگران، فاضلی و حسن پور و صدها نام دیگر گرفته تا حنیف نژاد و سعید محسن، فاطمه امینی و باز هم اسامی دیگر محسن شانه چی، سعید سلطانیپور، موسی خیابانی، اشرف

رجوی، توماج، مسعود رحمت پور، رشید یزدانپناه، انور اعظمی، سینا کارگر، سیامک اسدیان، محمد ضابطی و هادی حسین زاده و وقتتان را نگیرم. همه می دانیم که ثبت نام این بیشماران، زنان و مردان به کتابهای قطوری نیاز دارد و ما هنوز در نیمه راهیم و این راه ادامه دارد.

بده سابقا می که هستم هنوز همان عاشق می پرستم هنوز آری این راه ادامه دارد و در همین مسیر و به خاطر همین راه یعنی راه رسیدن به آزادی و رهایی است که برجستگی پیوندگان این راه مشخص می شود. چه خوب گفته فروغ فرخزاد که پرنده رفتنی است، پرواز را به خاطر بسپارید. پیوندگان این راه افراد فوق العاده و خارق العاده ای نبودند آنها هم افرادی بودند مثل میلیونها و میلیونها انسان دیگر. تفاوت آنها با دیگرانی که در حاشیه قرار می گیرند این است که آنان «دلیر بودند در به کارگیری فهم خویش» و حاضر بودند هزینه حرفهای خودشان را بپردازند و به خاطر همین، و ستمگران نه گفتند و با آمادگی تمام بهای این نه گفتن خود را پرداخت کردند، در جریان رشد و تکامل جامعه تأثیر گذاشتند. ایستادگی آنان، مبارزه آنان در شرایطی که دیکتاتوری شاه راههای مبارزه مسالمت آمیز را مسدود کرده بود در یک کلام نه گفتن آنان به صورت یک نیرو زره زره در میان مردم انباشت شد و به تدریج شرایط ذهنی برای تغییرات بزرگ را فراهم کرد.

کم کمک درآج آمد بیج بیج خفته خلق چون بحری برآشفته به جوش آمد قیام سياهکل و جنبش پیشتاز فدایی به همان دلایل که گفتم توانست در جنبش اجتماعی مردم ایران تأثیر بگذارد. و عناصر رادیکال و سازش ناپذیر جنبش را تقویت کند.

خوب حالا برگردیم به شرایط کنونی و این که ما از قیام سياهکل چه درسی برای امروز می گیریم.

برای همه ی ما روشن است که در جامعه امروز ایران یک استبداد مذهبی، یک رژیم سرکوبگر حاکم است که ابعاد سرکوبگری و جنایتهايش را همه می دانند. در مقابل این رژیم دو پاسخ و دو برخورد وجود دارد. یکی به اشکال مختلف به آن آری می گوید. حالا یا صریح و روشن و یا غیر مستقیم. برای مثال از یک طرف صحبت از «سرنگونی رژیم جمهوری اسلامی» می کنند و از طرف دیگر از مردم می خواهند که در انتخابات مجلس ششم رژیم به طور «مستقل» شرکت کنند. من البته هنوز هم نفهمیده ام چگونه می شود در انتخاباتی که یک رژیم برگزار می کند به طور «مستقل» کاندیدا شد و به طور «مستقل» شرکت کرد. شاید یک وزارت کشور «مستقل» وجود دارد که باید رفت و در آنجا ثبت نام کرد. به هر حال این هم نوعی اپورتونیزم شرمگین است. یک برخورد دیگر با رژیم کنونی هم پاسخ «نه»

به آن است. این دو پاسخ در شرایط کنونی خودش را در برخورد با انتخابات مجلس ارتجاع نشان می دهد. آنهايي که می گویند باید در این انتخابات شرکت کرد و آنها که آن را فعلا نه تحریم می کنند. درس امروز ما از قیام سياهکل، نه گفتن به این نمایش انتخاباتی است. دلایل آن را بارها گفته ایم. ببینیم آنها که صحبت از شرکت در انتخابات می کنند چگونه این سیاست خود را توضیح می دهند. این افراد و گروهها معتقدند که با شرکت در این گونه اقدامات و اساسا انجام مبارزه «قانونی» می توان رژیم را اصلاح کرد. سؤال من این است که «آیا در نظام سیاسی حاکم بر ایران اصلاحات از طریق قانونی» ممکن است. برای پاسخ به این سؤال ابتدا «اصلاح» و «قانون» را باید تعریف کرد.

الف) وقتی صحبت از «اصلاح» در نظام کنونی حاکم بر ایران می کنیم، منظور اصلاحات سیاسی است. اولین پایه ای ترین «اصلاح» سیاسی در جمهوری اسلامی، برجیدن بساط «ولایت فقیه» و استقرار یک دولت غیر مذهبی است. بدون برجیدن بساط «ولایت فقیه» هیچ «اصلاح» سیاسی جدی در کشور ما صورت نمی گیرد. بعد از آن انجام انتخابات آزاد و دموکراتیک است.

ب) مبارزه بر اساس «قانون» یعنی استفاده از روشها و تاکتیکهایی که قوانین مدون آن را مجاز می شمارد. مهمترین قانون در هر کشور قانون اساسی است. قانون اساسی در جمهوری اسلامی بر اساس اصل ولایت فقیه است و از این رو هر حرکت سیاسی در ایران که بخواد بر اساس «قانون» باشد باید بر طبق همین «قانون» به اصل «ولایت مطلقه فقیه» ملتزم باشد.

با توجه به تعریف اصلاح و قانون، از کسانی که می خواهند با اتکا، به شیوه ها و تاکتیکهای قانونی در نظام ولایت فقیه، اصلاحات صورت دهند، باید پرسید که آیا در اصلاحات مورد نظرشان برداشتن اصل «ولایت فقیه» از قانون اساسی رژیم جمهوری اسلامی مطرح است یا نه؟ اگر پاسخ این افراد منفی باشد (همچنان که پاسخ خاتمی منفی است) در این صورت باید با یقین اعلام کرد که اینان اصلاح طلب نیستند و برای مقاصد دیگری مزورانه پرچم «اصلاح طلبی» در دست گرفته اند.

در صورتی که پاسخ این افراد و گروهها مثبت باشد، در این صورت باید آنان را به «قانون اساسی جمهوری اسلامی» مراجعه داد. در اصل ۱۷۷ در قانون اساسی جمهوری اسلامی که در آستانه مرگ خمینی مورد بازبینی قرار گرفت پس از مرگ او به تصویب رسید، شیوه «بازنگری در قانون اساسی جمهوری اسلامی» و تغییر آن پیش بینی شده است. در پایان همین ماده آمده است که: «محتوای اصول مربوط به اسلامی بودن نظام و ابتدای کلیه قوانین و مقررات بر

در گوشه و کنار جهان



— جعفر پوپه

در دومین ماه سال ۲۰۰۰ میلادی چشم جهانیان با به قدرت رسیدن حزب راست افراطی و فاشیستی در اتریش روشن شد و در حالی که بعضی از نحات یافتگان کوره های آدم سوزی فاشیستها هنوز زنده اند. در انتخابات ظاهرا دموکراتیک اتریش در اکتبر گذشته حزب فاشیستی آزادی به رهبری یورگ هایدر با به دست آوردن بیش از ۲۷ درصد آراء، در رده دوم قرار گرفت. در این ماه حزب آزادی در ائتلاف با حزب مردم به رهبری ولفگانگ شوسل دولت جدید را تشکیل داد. همزمان تظاهرات بیشماری در وین و دیگر شهرهای اتریش علیه حزب آزادی و رهبری آن هایدر برگزار شد و اتحادیه اروپا نیز با موضع کمروزی اتریش را تهدید به قطع روابط کرد و آمریکا نیز سفیر خود را از اتریش فرا خواند. ولی اتریش بدون توجه به این تهدیدات به معرفی کابینه با همکاری حزب آزادی پرداخت و اعلام کرد که دیگران در امور داخلی اتریش نباید دخالت کنند. گویي نسل کشی و فرستادن هزاران نفر به کوره های آدم سوزی و برپایی اردوگاههای مرگ جزء امورات داخلی کشورها محسوب می شود.

در ۲۷ ژانویه مجمع اقتصاد جهانی در داووس سوئیس با شرکت رهبران سیاسی و اقتصادی جهان سرمایه داری برگزار شد. این اجلاس که بعد از شکست اجلاس سازمان جهانی تجارت در سیاتل آمریکا در شهرک کوهستانی سوئیس و با تدابیر امنیتی ویژه و با حضور ارتش سوئیس برگزار شد، پذیرای تعدادی از رؤسای جمهور و نخست وزییران کشورهای مختلف جهان بود. اما حضور نیروهای امنیتی و ارتش توانست مانعی برای هزاران نفر از مخالفان جهانی شدن اقتصاد امپریالیستی باشد. در سرما و برف فراوان همراه با برگزاری این مجمع خیابانهای شهرک داووس شاهد تظاهرات گسترده ای از اقتشار مختلف مخالفان و همچنین ایرانیان بود.

دهمین کنفرانس تجارت و توسعه ملل متحد تحت نام اکتاد در تاریخ ۱۲ فوریه در بانکوک برگزار شد. در حالی که خیابانهای اطراف محل کنفرانس در کنترل کامل نیروهای پلیس بود تا تظاهرکنندگان به آن نزدیک

نشوند، میشل کاندوسو مدیر کل صندوق بین المللی پول با دریافت یک کیسک خامه ای به صورتش اولین کسی بود که با موج عظیم مخالفان مواجه شد. مخالفان تجارت آزاد در حالی که شعارهای «بی عدالتی در اقتصاد جهانی را متوقف کنید» و «تجارت جوانمردانه تجارت آزاد نیست» و «ما با امپریالیسم مخالفیم» می دادند به مبارزه ای بی امان با این کنفرانس پرداختند. به گزارش رویتر از بانکوک براساس یکی از گزارشهای اکتاد، سیزده در صد جمعیت جهان در دهه ۹۰ به طرز فزاینده ای حاشیه نشین شده اند و آنها ۴۰ درصد از سهم صادرات جهان را نسبت به دهه ۸۰ از دست داده اند. گروههای حقوق بشر و فعالان چپ هم مخالفت خود را با آنچه اهریمن تجارت آزاد می نامند ادامه می دهند و بیانیه هایی که آنها در خیابانها صادر می کنند یساده اور شکست سیاتل است.

به گزارش روزنامه واشنگتن تایمز اعتصاب ۹/۵ ماهه بزرگترین دانشگاه آمریکای لاتین با دخالت پلیس و دستگیری ۶۳۲ دانشجو روز یکشنبه ۶ فوریه شکسته شد. به نوشته این روزنامه پایان این اعتصاب به طرز تعجب آوری مسالمت آمیز بود. دخالت مهاجمانه پلیس به یسک مساجرای پرشمت و طولانی پایان داد. در ابتدا به نظر می رسید مقامات دولت ارستوزدیو رئیس جمهور مکزیک، قادر به خلاص شدن از شر تعداد انگشت شماری از دانشجویان رادیکالی نیستند که خود را ابلیس یا ماوش می نامیدند.

این روزنامه نوشت حدود ۲۴۰۰ پلیس فدرال مسلح به باتوم و سپر در ساعت ۶/۴۵ بامداد به جلسه شبانه شورای دانشجویان متحمن هجوم برده و ۴۳۰ تن از آنها، از جمله هوم رهبر آنان را بازداشت کردند. دانشجویان اعتصاب کننده هیچ مقاومتی نشان ندادند و ضرب و شتمی صورت نگرفت. به گزارش خبرگزاریها اعتصاب کنندگان یازده بندر اصلی هند با تمهد دولت این کشور در مورد اجرای خواسته های اعتصاب کنندگان روز شنبه ۲۲ ژانویه پایان یافت. بنا به این گزارشها منابع رسمی در دهلی نو گفتند، با تمهد راجنات سینگ وزیر حمل و نقل هند به اجرای خواسته های کارگران بنادر، این اعتصاب پس از پنج روز خاتمه یافت. کارگران بنادر خواستار دوره پنج ساله برای افزایش حقوق بودند ولی دولت با افزایش حقوق هر ده سال یک بار موافق بود. کارگران همچنین خواستار دو برابر شدن حقوق خود بودند اما دولت افزایش ۲۸ درصد را پیشنهاد کرده بود. اصلاح مزایای مسکن، بازنشستگی، و بیمه نیز از دیگر خواسته کارگران اعتصابی بود. بیش از یک صد هزار کارگر یازده بندرگاه عمده هند از روز سه شنبه ۱۸ ژانویه دست از کار کشیده بودند. دولت هند برای جلوگیری از توقف کامل کار

در بنادر، در این مدت از نیروی دریایی کمک گرفته بود. هنوز معلوم نیست که دولت تمامی خواسته های کارگران اعتصابی را پذیرفته است یا نه، اما شانتی پاتل رئیس فدراسیونهای کارگران بندرگاههای سراسر هند با اشاره به این که دولت و نمایندگان کارگران اعتصابی به توافق رسیده اند. خبر از پایان یافتن اعتصاب داد.

به گزارش روزنامه آزاد ۲۳ ژانویه پلیس هند رهبر ۹۰ هزار نفر از کارکنان اداره برق را که اعتصاب گسترده ای را به راه انداخته اند دستگیر کرد. بنابراین گزارش نارش آگاروال وزیر برق در دولت ایالتی اوتارپرداش گفت: شایمندرا دوی بدیسر کل فدراسیون مهندسان برق در شمال هند به موجب قانون ضد تروریستی دستگیر شد. به گفته مقامهای هندی ا. کی سینگ رهبر کارگری نیز به همراه دویی دستگیر شد و پلیس به منزل ۲۴ مهندس برق یورش برد. اعتصاب ۷ روزه در هند که از ۲۵ دی آغاز شد، سیستمهای تامین آب، بیمارستانها، ادارات دولتی و بانکهای صدها شهر و روستا را در سراسر این ایالت ۱۵۰ میلیون نفری را فلج کرده است. دولت هند بیش از ۵ هزار کارگر اعتصابی را دستگیر و ۳۷۸ تن از آنان را اخراج کرده است. کارگران برق با تلاشهای دولت در جهت خصوصی سازی تولید و توزیع برق و سایر اصلاحات مخالف هستند. دولت ایالتی اوتارپرداش از مهندسان ارتش خواسته است نیروگاهها را راه اندازی کنند.

بعد از گذشت تنها دو ماه از عمر دولت مستقل در ایرلند شمالی، در روز ۱۲ فوریه این دولت منحل شد و کت سرخها بار دیگر به ایرلند بازگشتند. این تصمیم به علت خودداری ارتش جمهوریخواه ایرلند به خلع سلاح از جانب لندن اتخاذ شد. جری ادامز رهبر شین فین شاخه سیاسی ارتش جمهوریخواه ایرلند: دقایقی پیش از اعلام انحلال خودمختاری ایرلند شمالی در تلاش برای حل این بحران پیشنهاد تازه ای در مورد خلع سلاح ارتش جمهوریخواه ایرلند مطرح کرد. وی گفت: براساس این طرح سلاحهای ارتش جمهوریخواه ایرلند شمالی می ماند و مورد استفاده قرار نمی گیرد. اما وزیر امور ایرلند شمالی در کابینه انگلیس با رد این پیشنهاد گفت: در این طرح دو موضوع همچنان نامشخص باقی مانده، نخست این که در نهایت این ارتش حاضر به خلع سلاح است یا خیر و دوم آن که در صورت آمادگی این نهاد برای کنار گذاشتن سلاح، زمان تحقق آن چه وقت خواهد بود. در همین حال سخنگوی تونی بلر نخست وزیر انگلیس گفت: در مورد موضوع خلع سلاح پیشرفتهایی به دست آمده است اما این پیشرفتهای هنوز برای لغو حکم تعلیق خودمختاری ایرلند شمالی کافی نیست. وی اضافه کرد، مذاکرات در این مورد ادامه خواهد یافت.

سخنرانی.....

بقیه از صفحه ۱۲

اساس موازین اسلامی و پایه های ایمانی و اهداف جمهوری اسلامی ایران و جمهوری بودن حکومت و ولایت امر و امامت است و نیز اداره امور کشور با اتکا به آراء عمومی و دین و مذهب رسمی ایران تغییر ناپذیر است. ملاحظه می شود که از طریق قانونی نمی توان در مورد موارد بالا هیچ تغییری صورت داد. بنابراین با شرکت در انتخابات مجلس رژیم (حتی اگر اکثریت قاطع افرادی که به این مجلس راه می یابند مدعی اصلاح طلبی باشند) نمی توان اصلاح سیاسی در نظام ولایت فقیه صورت داد و آن را از یک نظام استبدادی و مذهبی به یک نظام غیر مذهبی تبدیل کرد. از این رو کسانی که دم از «اصلاح طلبی» می زنند و می خواهند که با وجود این رژیم و از طریق «قانونی» این اصلاحات را صورت دهند یا افراد نادانی هستند که از قوانین جمهوری اسلامی اطلاع ندارند و یا شیادان آگاهی هستند که نه به دنبال اصلاحات سیاسی، بلکه به دنبال آن هستند که خود را شریک غارتگران مردم ایران کنند. استدلال دیگر کسانی که به مبارزه «قانونی» اعتقاد دارند اینست که اقدامات رادیکال موجب تقویت جناح به قول آنها «انحصار طلب» و «خشونت طلب» می شود. گویي در رژیم حاکم فقط یک جناح «انحصار طلب» و «خشونت طلب» است. به هر حال این حرف هم از بنیاد غلط است. چرا که اساسا ۲ خرداد و به قدرت رسیدن خاتمی محصول تضاد بین پانثینها و بالانثینها بود که خامنه ای را مجبور به عقب نشینی از موضع خودش کرد و در این دو سال و اندی هم اگر اقدامات رادیکال وجود نمی داشت، مسلما رژیم تعرض بیشتری به مردم می کرد. تجربه همین دو سال هم نشان داده که اقدامات رادیکال (چه از جانب مقامت سازمان یافته و چه از جانب مردم) باعث عقب نشینی بیشتر خامنه ای شده است. چون هر چه فشار بیشتر بر رژیم باشد، هر چه اقدامات مردم و نیروهای سیاسی رادیکال تر باشد، تضادهای درونی رژیم بیشتر تشدید می شود و چون به طور قطع باید گفت که شرایط به قبل از ۲ خرداد سال ۱۳۷۶ بر نمی گردد، پس «سیاست، آهسته برو، آهسته بیا، تا خامنه ای چنگت نزنه» سیاستی به غایت غلط و تسلیم طلبانه است. به هر حال گفتیم که درس ما از سیاهلک برای امروز تحریم کامل انتخابات دوره ششم مجلس ارتجاع است. البته این سیاست جزئی از سیاست کلی ماست که معتقدیم اتحاد و پیوند مبارزه مسلحانه مقاومت سازمان یافته با مبارزه اجتماعی مردم ایران، این رژیم ضد مردمی را سرنگون خواهد کرد و شرایط را برای دخالت آزاد مردم در سرنوشت خویش فراهم خواهد آورد. ما به این چشم انداز دل بسته ایم و برای این چشم انداز مبارزه می کنیم. پیروز باشید.

زینویس

* - مراجعه کنید به مقاله کانت در کتاب «روشن نگری چیست؟» ترجمه سیروس آرین پور - نشر آگه

توضیح نبرد خلق: این سخنرانی به میزانی از گفتار به نوشتار تبدیل شده و مقداری هم کوتاه شده است.

ادبیات ایران در هزاره دوم

نگاهی به گذشته و اشاره ای به هزار سال مبارزه فرهنگی (۲)

— اسماعیل وفا یغمایی

تحولات در مرکز قدرت

در این دوران، دروانی که ایران با تمام توان خود و در برکه هایی از خون خود قدر راست می کرد. در مرکز قدرت پس از ایامی زودگذر و سپری شدن دروانی که ابوبکر صدیق (۱۱ تا ۱۳ هجری)، ابوحفص عمر ابن خطاب (۱۳ تا ۲۳ هجری)، عثمان ابن عفان (۲۳ تا ۳۵ هجری)، علی ابن ابی طالب (۳۵ تا ۴۰ هجری) حکومت کردند، معاویه ابن ابی سفیان دولت هولناک اموی را با سیاست برتری نژادی (بنی امیه ترور عمومی و سرکوب و کشتار علویان) و با به کار گرفتن تمام هوشیاری و تیزبینی خود بنیان گذارد.

در آغاز روی کار آمدن دولت اموی، تنها سی سال از درگذشت محمد ابن عبدالله گذشته بود، و روی کار آمدن معاویه به معنای پیروزی خردکننده اشرافیتی بود که از همان آغاز دعوت محمد، خشمگین از پیام مساوات طلبانه او و خزیده در تاریکی و زخم خورده، در انتظار بیرون آمدن از کفام خود و به دست گرفتن سکان قدرت بود. این فرصت که زمینه های آن از قبل فراهم شده بود با ترور علی ابن ابی طالب توسط عبدالرحمان ابن ملجم مرادی از اعضای گروه افراطی و بسیار متعصب و خشک اندیش خوارج منجر به روی کار آمدن معاویه شد.

پیروزی بنی امیه در حقیقت تاریخی و اجتماعی خود، به دور از برداشتهای سطحی و آنچه که قرنهای آخوندها بر بالای منابر در گوش عوام زمزمه می کنند، پیروزی مثنوی حرامزاده ولدالزنا که جده اشان در زمره ذوات العلم، - فواحش نامدار - قرار داشت نبود. پیروزی بنی امیه در واقعیت تاریخی خود پیروزی اشرافیت غارتگر و نژادپرست اموی بود که حالا بر اثر سقوط دولت ساسانی و به انحراف کشیده شدن یک حرکت تاریخی، دیگر نه بر سود سرشار بازرگانی عربستان دوران قبل از اعلام رسالت محمد ابن عبدالله بلکه بر دریایی از طلا و توفانی از قدرت در پهنه یک امپراطوری عظیم که ایران با مساحتی تقریبا به گستردگی مساحت اوج اقتدار هخامنشیان در عصر طلایی خود بخش عمده آن را تشکیل می داد چشم داشتند و در راه دست یابی به اهداف خود از ریختن خون ایرانی و عرب هیچ پروایی نداشتند. معاویه و یزید و سایر زمامداران دوازده گانه اموی (به غیر از معاویه ابن یزید و عمر ابن عبدالعزیز) را باید در پهنه چنین چشم اندازی نگریست تا حقایق مختلف تاریخی از جمله قیام حسین ابن علی و علل محبوبیت فرزندان و پیروان علی در ایران، نه در افق دهان

آخوندها یا کسانی که علاقه دارند حقایق تاریخی را آمیخته با رازها و رویاهای خود ببینند، بلکه در افقی تاریخی نگریند.

کشتار و ترور و سرکوب در مرکز قدرت با زندان، شکنجه و کشتار فرزندان علی و پیروان و هواخواهان او شروع شد و در دوران یزیدابن معاویه با ماجرای کربلا و کشتار حسین ابن علی و یارانش به اوج رسید. این کشتار پیش زمینه های تاریخی و عاطفی خاصی را که گاه رنگ قصه و افسانه به خود می گیرد با خود دارد که برای شناخت آن باید به تاریخ قبل از اسلام و ریشه های خانوادگی و خونی و خویشاوندی بنی امیه، بنی عباس و بنی هاشم توجه کرد.

بنی هاشم، بنی امیه و بنی عباس دورتر از زمانی که بنی هاشم و آل ابوطالب کشتار می شدند رشته های خونی بنی هاشم و بنی امیه و نیز بنی عباس، در قفسی این کلاب ابن مره از بزرگان عرب و از پرده داران کعبه به هم می رسد او جد مشترک این سه خاندان است که بعدها نقش مهمی را در تاریخ بخش بزرگی از جهان و به خصوص ایران به خود اختصاص دادند و نیز به عنوان عموزادگان و اقوام خونی، در نقش جلادانی خونریز، یا قربانیان و کشتگان و شهیدان، صحنه های شگفت آوری خلق کردند.

از قصی ابن کلاب دو فرزند به نامهای عبد مناف و عبد شمس زاده می شوند. نوشته اند عبد مناف و عبد شمس دو قلوهایی بودند که در موقع تولد از ناحیه پیشانی به هم چسبیده بودند و مجبور شدند با کارد پوست پیشانی آنها را ببرند تا از هم جدا شوند و چون در آغاز خون ریخته شد یکی از پیران قوم پیش بینی کرد که سرانجام این دو برادر یا فرزندانشان خون یکدیگر را خواهند ریخت. ممکن است جریان به هم چسبیدگی دو قلوها راست باشد، ولی حکایت پیش بینی آن کاهن عرب را در مورد نرون، حجاج، چنگیز، ضحاک و ... هم گفته اند. از زاویه مثبت نیز نمونه ها در مورد مسیح، بودا، محمد، فرانسوا دو آسیز و بسیاری دیگر وجود دارد. فراموش نکنیم که تصویر خمینی در ماه رویت شد و ای بسا که اگر شرایط زمان اجازه می داد و افسانه ها کارآیی داشت کسانی با نیت خیر در درون تاریخ جای می دادند که خمینی چون به دنیا آمد دهانش پر از خون بود و به همین علت چون به حکومت رسید به خونخواری پرداخت. ولی خمینی چون عبد شمس از کودکی موجود پلیدی نبود زانگان عبد شمس و خمینی هر دو ساخته های خشونت و عقب ماندگی و غارت بودند و هر دو نیز به سازندگان خشونت و عقب ماندگی و غارت تبدیل شدند.

از عبد مناف، مطلب و هاشم (جد مشترک آل عباس یا عباسیان و آل ابوطالب یا فرزندان علی و فاطمه) زاده می شوند و از عبد شمس، امیه (جد خاندان بنی امیه) چشم به جهان می

گشاید. تا اینجا بنی امیه از بنی عباس و آل ابی طالب از لحاظ خونی جدا شده است. فرزندان امیه، حرب و ابوالعاص اند و حرب در ابوسفیان و ابوسفیان در معاویه و معاویه در یزید و ... ادامه پیدا می کنند و فرزندان ابوالعاص نیز حکم است که فرزندان و نوادگان او تا پایان، شاخه دیگر خاندان اموی را ادامه می دهند و از بازگیران حکومت و تأثیر سرنوشت میلیونها تن از مردمند. هاشم جد مشترک عباسیان و آل ابی طالب است و به دلیل خونی، عباسیان نیز هاشمی هستند. نوشته اند نخستین تضاد میان بنی امیه و بنی هاشم میان هاشم و امیه رخ داد. هاشم مردی بازرگان و نیکوکار بود و بر اثر یک اختلاف با امیه و احاله آن به داوران قبیله، امیه مجبور شد ده سال در سرزمین دیگری به سر ببرد و کینه برادر خود را به دل گرفت. در اسناد تاریخی به علت این اختلاف که در مورد مقولات بازرگانیت اشاره شده است.

از هاشم، عباس و عبدالمطلب زاده می شوند. در این نقطه عباسیان و آل ابوطالب از یکدیگر جدا می شوند. هاشم در یکی از سفرهایش در می گذرد و مطلب، عبدالمطلب را تحت سرپرستی خود می گیرد. از عبدالمطلب ده پسر و شش دختر زاده می شوند که ابوطالب پدر علی و عبدالله پدر محمد از زمره آنانند. باقی این ماجرا در روشنی کامل قرار دارد. دو برادر از برادران دهگانه بر خلاف دیگران که در گذرگاههای زمان و ادامه نسل از هم جدا شده اند از هم جدا نمی شوند. ابوطالب و عبدالله در محمد و علی به وحدتی شگفت آور می رسند و با ازدواج فاطمه و علی، نسل ابوطالب و عبدالله در فرزندان ابوطالب و آل علی سیمایی عجیب از شهیدان و قربانیان را در طول سالیان دراز به نمایش می گذارند. این سیما از نظر خون و نسب هم، شاید برای کسانی که به پاکیزگی و تقدس خون از دیدگاه خاص مذهبی خودشان، اعتقاد دارند و به خصوص در خیلی از زیارت نامه ها و اذن دخیلهای شیعه روی آن با عنوان نور ممتد در اصلااب و خون جاری تاکید می شود، جذابیت داشته باشد، ولی بدون تردید توجه به این بافت و ساخت خاص و درآمیختگی عجیب، ما را برای شناخت لایه های درونی عواطف و گرایشهای مذهبی جامعه ایران و کنش و واکنشهای تاریخی در رابطه با مذهب و شناخت فرهنگ عمومی جامعه یاری بسیار خواهد کرد.

جدال سیاسی بنی امیه و بنی هاشم با اعلام رسالت پیغمبر اسلام شروع می شود. در این نقطه است که فرزندان عبد مناف و عبد شمس به روی هم تیغ می کشند و خون یکدیگر را می ریزند. در این نقطه بنی هاشم با انبوه کسانی که رسالت محمد را پذیرفته اند در کنار محمد، اشراف و بزرگان مخالف در کنار فرزندان امیه و ابوسفیان قرار می گیرند. فی الواقع توجه به ارتباط خونی دو طرف و روابط نسبی آنان برای کسی که اهل تاریخ

است می تواند بسیار جالب باشد. در این جدال و مبارزه در میان بنی هاشم یک پیامبر ظهور کرده است. آل علی و عباسیان بعدها علیرغم اختلاف مواضعشان و هنگامی که بر روی هم شمشیر کشیدند هر دو خود را هاشمی و از خویشان پیامبر می دانند. (در رفتارهای ظاهری برخی خلفای عباسی با آل علی منجمله در مورد اعلام ولایتعهدی علی ابن موسی الرضا توسط مامون باید به این مقولات توجه کرد). ولی آل امیه را از این موهبت سیاسی و اجتماعی و فلسفی نصیبی نیست. به کینه شدید و غلیظ و بدون نقاب امویان در کشتارهای خشن و سرکوبهای فرزندان پیامبر و علی، توهین به پیامبر و مسخره کردن قرآن و وحی و حمله به مدینه و کشتارها و تجاوزات گسترده به زنان و به منجنیق بستن کعبه و از قرآن به عنوان نشانه تیراندازی استفاده کردن، و تجاهر به فسق و فجور، و امامت تمازخوانان را در حال مستی به عهده گرفتن، باید از این زاویه هم توجه کرد. در همین زمینه توجه به خصوصیات شخصی خلفای اموی و تفاوت آنها با خلفای عباسی بسیار جالب است.

روی کار آمدن معاویه آغاز قدرت گرفتن شکست خوردگان است انتقام خونهایی که در دوران پیغمبر از بنی امیه ریخته شده باید گرفته شود، در این میان اگر چه مجموع بنی هاشم هدفند ولی هدف اصلی آل ابوطالب و نسل محمد و علی است. از بنی هاشم، فرزندان عباس از همان ابتدا چهره آرامتری را در جدال با بنی امیه نشان می دادند. پیامبر هم در میان شاخه آنها به دنیا نیامده بود و تنها پسر برادر جدشان بود. عباسیان تنها افتخار نیکنامی و شهرت شرافتمندی و مردم دوستی هاشم را با خود داشتند و اگر سر ریودن قدرت سیاسی را نداشتند امویان لبه تیز حمله را متوجه آنها نمی کردند. ولی در مواردی که سر خلافت و ادعای زعامت داشتند آنها را می کشند ولی خاندان علی که با وجود فاطمه نماینده خاندان پیغمبر هم بود به معنی واقعی کلمه کشتار می شدند. از نظر امویان آل ابی طالب همان کسانی بودند که پیغمبر و هاشم هر دو به آنها تعلق داشتند و به همین دلیل داعیه حکومت و خلافت داشتند. اینان همان کسانی بودند که کشته بودند. علی و فاطمه متعلق به اینها بود و در میان مردم اینها بودند که ممکن بود خطر ایجاد کنند و خلافت اموی را بلرزاند پس باید دایم سرکوب و کشتار شوند.

ایرانیان در این دوران، هم در داخل ایران و هم در مراکز قدرت فاتحان اموی شاهدان هوشیار فسل و انفعالات خونین سیاسی بودند. در داخل ایران اخباری از کشتار علویان و سرکوب هواخواهان علی نیز فشار علیه آل عباس پخش می شد. وجود فراریانی از پیروان علی در میان ایرانیان که در گوشه و کنار سرزمین بزرگ ایران پناهگاهی می جستند و در مراکز قدرت در میان انبوه زنان و مردانی بقیه در صفحه ۱۵

انتشارات نبرد خلق و سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

منتشر شد



سلمان رشدی و حقیقت در ادبیات
نویسنده صادق جلال اعظم
ترجمه: تراب حق شناس
انتشارات سنبله - هامبورگ
شماره فاکس ناشر برای دریافت کتاب
0049 - 40 - 458643

- ۱- تداوم (گفتگوی علی ناظر با مهدی سامع)
- ۲- جنبش پیشتاز فدایی در آستانه قرن بیست و یکم (سخنرانی مهدی سامع در آمریکا و کانادا)
- ۳- تاریخ سی ساله سیاسی اثر بیژن جزنی
- ۴- چگونه مبارزه مسلحانه توده ای می شود اثر بیژن جزنی
- ۵- ضرورت مبارزه مسلحانه و رد تئوری بقاء اثر امیر پرویز پویان
- ۶- سرنوشتی رژیم و ضرورت دولت موقت، از مهدی سامع
- ۷- دموکراسی شرط اساسی انتقال قدرت به مردم - طرحهای شورای ملی مقاومت
- ۸- پیرامون تبعیض جنسی، مذهبی و ملی
- ۹- سنگر مقدم: لنینیسم از منصور امان
- ۱۰- بیانیه اعلام برنامه (هویت) سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۱- منشور سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
- ۱۲- بحران در جنبش کمونیستی ایران، راه حل برون رفت از آن و نقش ما
- ۱۳- چه کسی بر سر دوراهی قرار گرفته است - برای ثبت در تاریخ، از مهدی سامع
- ۱۴- مجموعه مقالات از منصور امان
- ۱۵- زنان ایران در مبارزه برای برابری جنسی از زینت میرهاشمی
- ۱۶- سوسیالیسم و سندیکاها
- ۱۷- سوسیالیسم از عهد مارکس به بعد و جنبش بین المللی سندیکاها
- ۱۸- نویسنده: ماکس آدلر، ترجمه: کریم قسیم
- ۱۹- آینده نقش از زنان دارد، گفتگو با مارگارت میچرلیش، ترجمه کریم قسیم

NABARD - E - KHALGH
Organ of the
Organization of Iranian People's Fedayee Guerrillas
Executive Editor: Zinat Mirhashemi
Published by :
NABARD CULTURAL ASSOCIATION

No : 177 20. Feb . 2000

NABARD	NABARD
B.P. 20	Postbus 593
91350 Grigny	6700 AN Wageningen
Cedex / FRANCE	HOLLAND
***	***
NABARD	NABARD
P.O Box 10400	Postfach 102001
London N7 7HX	50460 Koln
ENGLAND	GERMANY
***	***
NABARD	NABARD
P.O Box . 3801	Casella Postale 307
Chantilly, VA	65100 Pescara
20151 U.S.A	ITALIA
***	***

E.Meil:
nabard@club-internet.fr
nabard@hotmail.com
صفحه سازمان چریکهای فدایی خلق ایران
در روی شبکه اینترنت
[http:// www.fadaian.org](http://www.fadaian.org)

نامه های رسیده

- آقای شاهرخ ب. مطلب شما با عنوان «ابتدال و انقلاب» دریافت شد. در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- آقای شهاب گزارشی که از تظاهرات ضد راسیستی در مخالف با قدرت گرفتن حزب فاشیستی اتریش برای نبرد خلق ارسال نموده اید در آخرین لحظات بسته شدن صفحه های نبردخلق دریافت شد که موفق به چاپ آن نشدیم. از همکاری شما تشکر می کنیم.

- آقای نوشاد محسنی، مطلب شما دریافت شد. در شماره های آینده نبردخلق به چاپ خواهد رسید.

- خانم فروش مطلب شما با عنوان «توی کوچه کسی نیست» دریافت شد، با تشکر از شما، در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- آقای منوچهر مرعشی مطلب شما با عنوان «آرمان عدالت خواهانه یک خواست و نیاز انسانی» دریافت شد. با تشکر از همکاری شما، در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- آقای محمد ح مطلب شما با عنوان «رفقای اسبق و خائنین فعلی» دریافت شد. با تشکر از همکاری شما، در شماره های آینده به چاپ خواهد رسید.

- آقای توکلی، نامه شما دریافت شد.

- فعالان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران - باکو، پیام شما در رابطه با بزرگداشت ۱۹ بهمن دریافت شد متأسفانه به دلیل کمبود جا موفق به چاپ آن نشدیم.

- مقاله هایی برای ویژه ۸ مارس از طرف رفقا: لیللا، فرنگیس و روح انگیز دریافت شده که در شماره آینده چاپ خواهد شد.

- آقای رضا مرداخانی گزارش شما از مراسم برگزار شده در شهر پاساژ دریافت شد، از آن استفاده خواهد شد.

ادبیات ایران در هزاره دوم

بقیه از صفحه ۱۴

که به غلامی و کنیزی کشیده شده بودند نخستین بذریع عاطفه و محبت، اندک اندک وی به طور عمیق نسبت به خانواده و دوستان علی که به خاطر دفاع از مساوات، چون ملت مغلوب ایران کشتار می شدند در دلها جوانه می زدند. این یک جریان واقعی تاریخی است که درحقیقت برای ادراک درست علت انتشار اسلام غیر رسمی غیر دولتی در ایران باید مورد توجه کامل و دقیق قرار بگیرد. بر خلاف تئوریهایی بی پایه آخوندی ایرانیان پس از شکست دولت ساسانی، علیرغم نفرت از دولت و مذهب رسمی، و گرایش به بودایی گری و مسیحیت، تن به پذیرش اسلام اموی نداد. در همین رابطه اگرچه شاید بی موقع به نظر برسد زمان را بشکنیم و اندکی از زمینه صرف تاریخی به سوی پهنه ای تاریخی و فرهنگی برویم و به زبان پارسی و تحولات آن نظری بیاندازیم، با این توجه زمینه تاریخی در روشنی بیشتری قرار خواهد گرفت. (ادامه دارد)

ارس

در شبکه جهانی اینترنت

<http://members.tripod.com/~ARAZ/index-1.html>

نبردخلق را مطالعه کنید.
از اخبار ورزشی روز مطلع شوید.
گفتگو و تبادل نظر زنده با دیگران

نبرد خلق

ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران

مدیر مسئول: زینت میرهاشمی

چاپ: انجمن فرهنگی نبرد

نبردخلق ارگان سازمان چریکهای فدایی خلق ایران و بیان کننده نظرات این سازمان است. اما بدیهی است که از چاپ مقالات و مطالب فعالین سازمان و جنبش مقاومت و صاحب نظران و نیز ترجمه مطالبی که حجم نشریه اجازه می دهد و اطلاع از آن مفید است، خودداری نمی کند. مطالبی که با امضای افراد در نبردخلق چاپ می شود، بیان کننده نظرات خود آنان است که ممکن است با نظرات سازمان منطبق، همسو یا اختلاف داشته باشد. سرمقاله نبردخلق (با نام و یا بدون نام) بیان کننده نظر سازمان است.

برای تماس مستقیم با نبردخلق و اشتراک آن، با آدرس زیر تماس بگیرید.

NABARD
B.P 20
91350 GRIGNY CEDEX / FRANCE
Fax: USA / 1- 703 904 78 10
Italia / 39 - 085 802 23 56

فرم اشتراک نبرد خلق

Name :
Address :

بهای اشتراک سالانه نبردخلق

۷۵ فرانک فرانسه
۱۸ دلار آمریکا
۷ فرانک فرانسه

حساب بانکی سازمان

نام بانک : SOCIETE GENERAL
آدرس بانک : BOULOGNE - S - SEIN
FRANCE
کد گیشه : 03760
شماره حساب : 00050097851
نام صاحب حساب : Mme. Talat R.T

اخبار کارگری

روزنامه جمهوری اسلامی ۲۳ دی: اینجانب یکی از کارگران گروه صنعتی نورد و پروفیل پارس واقع در کیلومتر ۸ جاده مخصوص کرج می باشم که مدت ۱۰ سال است در این واحد صنعتی مشغول به کار می باشم، آنچه باعث نگرانی و هراس من شده این موضوع است که طی شش سال گذشته شش نفر از کارگران این واحد بر اثر حادثه لیفتراک جان خود را از دست داده اند و پرونده هایشان در پاسگاه انتظامی مهرآباد شمال موجود می باشد، با این اوصاف هنوز در این واحد صنعتی تدبیری مؤثر جهت حفظ جان کارگران اتخاذ نشده است و هر یک از کارگران هر روز با این دلواپسی مواجه هستند که نکنند جان خود را از دست بدهند. به راستی در صورت بروز این گونه وقایع چه کسی مسئول خواهد بود؟

روزنامه اخبار اقتصاد ۲۶ دی: شنیدیم روز جمعه گذشته [۲۴ دی] در پی اختلاف شدید بین مدیریت کارخانه نقش ایران و شورای اسلامی کار این کارخانه، رئیس شورای یاد شده توسط مأموران بازداشت شد. دستگیری مصطفی حسینی موجب اجتماع کارگران در محوطه کارخانه: زد و خورد شدید شد. این کارخانه با ۸۰۰ کارگر، به علت نداشتن مواد اولیه و کمبود نقدینگی متهاست که تعطیل شده است.

روزنامه اخبار اقتصاد ۲۸ دی: مطلع شدیم تعدادی از کارکنان پالایشگاه آبادان روز دوشنبه ۲۷ دی در مقابل ساختمان عملیاتی پالایش و نقل و انتقالات مواد نفتی این واحد، دست به تجمع زدند. گفته می شود علت اصلی تجمع، عدم رسیدگی مسئولان پالایشگاه آبادان به وضعیت حقوقی، رفاهی و خدماتی است. این افراد می گویند منازل کارگری شرکت نفت بسیار نامناسب است طوری که به رغم شکایات متعدد به مسئولان، هیچگونه پیگیری جهت تعمیرات و نگهداری این منازل صورت نگرفته است. روزنامه اخبار اقتصاد ۲۸ دی: بیش از ۵۰۰ نفر از کارکنان سینتا در اهواز صبح روز یکشنبه [۲۶ دی] نسبت به میزان دریافت حقوق خود اعتراض کردند. به گفته برخی منابع، کارگران خواهان ترمیم حقوق، اضافه کردن حقوق مسکن، پرداخت محرومیت از تسهیلات، پرداخت وام عادی کارخانه، حل مشکل سرویس کارخانه و وضعیت غذا دهی کارخانه هستند.

روزنامه اخبار اقتصاد ۲۸ دی: شنیدیم کارگران شاغل در شرکت کشت و صنعت و دامپروری لرستان، روز یکشنبه [۲۶ دی] نیز برای دومین روز متوالی، کمتر دست به کار زدند و بر اجرای خواسته های خود تاکید دارند. گفته می شود برکناری

مدیر عامل، برخورداری از حقوق و مزایای قانونی و اجرای طرح طبقه بندی مشاغل از جمله خواسته های این کارگران است.

روزنامه اخبار اقتصاد ۳۰ دی: شنیدیم حدود ۴۰ نفر از کارگران کارخانه چوب و صنعت به دلیل آنچه که عدم دریافت حقوق طی هفت ماه گذشته عنوان می کنند روز سه شنبه [۲۸ دی] در مقابل فرمانداری ساوه اجتماع کردند. گفته می شود این کارگران چندی پیش نیز به دلیل ناامیدی از رسیدگی به مشکلاتشان طی نامه ای به کمیته امداد امام این شهرستان درخواست اختصاص صدقه برای خود و خانواده شان کرده بودند. شرکت چوب و صنعت تولید کننده درهای پیش ساخته چوبی واقع در شهر صنعتی کاوه از چند سال گذشته همزمان با واگذاری به بخش خصوصی همواره با مشکلات کارگری مواجه بوده است.

دبیرخانه شورای ملی مقاومت ایران ۳ بهمن: موجی از تظاهرات و اعتراضات ضد حکومتی و اعتصابهای کارگری شهرهای مختلف ایران را فرا گرفته است. در همدان روز پنجشنبه ۳۰ دی در پی کشته شدن یک دانش آموز در اثر برخورد با یک کامیون صدها دانش آموز دست به یک راهپیمایی اعتراضی زدند. خواستار نصب سریع پل هوایی شدند. این تظاهرات سریعاً به یک اعتراض ضد حکومتی تبدیل شد و به درگیری میان دانش آموزان و جوانان با مزدوران نیروی انتظامی انجامید. دانش آموزان با پرتاب سنگ و شکستن شیشه های خودروهای دولتی به مقابله پرداختند و تعدادی از آنان توسط مأموران انتظامی دستگیر شدند. روز یکشنبه ۲۶ دی مردم اصفهان در اعتراض به اقدام ناگهانی شهرداری برای تخریب خانه های مسکونی در یکی از مناطق شهر، با مأموران رژیم درگیر شدند و با شکستن شیشه های خودروهای دولتی، مزدوران رژیم را وادار به فرار کردند.

کارگران کارخانه ریسندگی و بافندگی بارش اصفهان، در اعتراض به پرداخت نشدن حقوقشان هفته گذشته به مدت سه روز دست از کار کشیدند. در کرج کارگران کارخانه جهان چیت از دو هفته پیش دست به اعتصاب زده اند. در قم همزمان با سفر وزیر کشور خاتمی به این شهر، کارکنان فرمانداری قم با حضور در معاونت استانداری دست به تجمع زدند و نسبت به عدم پرداخت حقوقشان در سه ماه گذشته، اعتراض کردند. در ساوه (جنوب تهران) کارگران کارخانه چوب و صنعت روز سه شنبه گذشته [۲۸ دی] با تجمع در مقابل فرمانداری ساوه دست به تظاهرات زدند. در تهران بیش از پانصد هزار نفر از دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی فاطمیه قم که تنها دانشجوی دختر می پذیرد، از روز سه شنبه ۲۸ دی ماه تا پنجشنبه شب در اعتراض به عدم

رسیدگی دولت به مشکلاتشان، در مقابل وزارت بهداشت و درمان دست به تحصن زدند.

روزنامه کیهان ۳ بهمن: دهها تن از کارگران اخراجی و بازخریدی شهرداری تهران به سیاستهای این نهاد اعتراض کردند. بنابر اعلام حزب اسلامی رفاه کارگران، این عده طی تجمعی نسبت به بی توجهی وزارت کار و امور اجتماعی و مسئولان شهرداری تهران در اخراج و بازخرید کردن اجباری کارگران شهرداری انتقاد کرده و از مراجع ذیصلاح قضایی خواستند تا به پرونده های شکایتی آنان رسیدگی نمایند.

روزنامه اخبار اقتصاد ۵ بهمن: جمعی از کارگران کارخانه های شماره ۱ و ۲ ریسندگی و بافندگی کاشان که بیش از دو ماه است حقوق آنان پرداخت نشده است، روز یکشنبه [۳ بهمن] در مقابل کارخانه اجتماع کردند. این کارگران که شمارشان به ۳۰۰ نفر می رسد بر اساس طرح تغییر ساختار از اول آذرماه گذشته برای مدت یک سال تعدیل شده اند. اما تاکنون حقوقی به آنان پرداخت نشده است. به موجب طرح تغییر ساختار، کارگرانی که یک سال تعدیل می شوند زیر پوشش طرح بیمه بیکاری سازمان تامین اجتماعی قرار می گیرند. بیش از یک هزار و پانصد کارگر سه واحد ریسندگی و بافندگی کاشان بر اساس این طرح هم اینک بیکار هستند.

روزنامه جوان ۶ بهمن: شنیده شده که ۷۵۰ نفر از کارگران قراردادی پالایشگاه پتروشیمی بندر امام خمینی استان خوزستان در اعتراض به این که بیمه کارگران قراردادی و رسمی این پالایشگاه تبعیض قائل می شوند در مقابل این پالایشگاه دست به اعتصاب زدند. اعتصاب کنندگان خواسته اند از حقوق و مزایای کارگران قراردادی با کارگران رسمی یکی شود و یا آنها نیز رسمی شوند که از طرف مسئولین امر به این اعتصاب خواسته اعتصاب کنندگان اعتنایی نشده است. کمال دانشیار نماینده بندر ماهشهر در مجلس ضمن صحبت با اعتصاب کنندگان از آنها خواست اعتصاب خود را بشکنند تا وی با مسئولان مربوطه صحبت و مشکل را حل کنند. شایان ذکر است اعتصاب کنندگان اعلام داشته اند در صورتی که پس از یک هفته اقدامی نشود مجدداً دست به اعتصاب خواهند زد.

روزنامه جمهوری اسلامی ۱۸ بهمن: حدود ۵۰۰ تن از کارگران کارخانه های نخ کار و مبلیران در اعتراض به قطع حقوق خود از دو سال پیش تاکنون، روز گذشته در مقابل وزارت کار و امور اجتماعی تجمع کردند و خواستار رسیدگی به وضعیت خود شدند. □

با یاد رفقای فدایی، خسرو گل سرخی و کرامت الله دانشیان که در سحرگاه ۲۹ بهمن ۱۳۵۲ به دست دژخیمان رژیم شاه اعدام شدند.



کرامت الله دانشیان خسرو گل سرخی

یاد

شب که می آید و می کوید پشت در را به خودم می گویم:
من همین فردا
کاری خواهم کرد
کاری کارستان
و به انبار کتان فقر کبریتی خواهم زد
...
به رفیقانم که همه از عریانی می گیرند
خواهم گفت:
گریه کار ابر است
من و تو با انگشتی چون شمشیر
من و تو با حرفی چون باروت
به عریانی پایان بخشیم
و بگوئیم به دنیا به فریاد بلند
عاقبت دیدید ما صاحب خورشید شدیم

زستان ۵۱

شهدای فدایی

اسفند ماه

رفقا: رحیم سمعی - مهدی اسحاقی - مسعود احمدزاده - عباس مفتاحی - مجید احمدزاده - مهدی سولانی - حمید توکلی - غلامرضا گلوی - بهمن آژنگ - سعید آریان - عبدالکریم حاجیان سه پله - متاف فلکی - علی رضا نابدیل - یحیی امین نیا - جعفر اردبیل چی - محمدعلی تقی زاده - اصغر عرب هریسی - اکبر مؤید - علی نقی آرش - حسن سرکاری - فریدون نجف زاده - علی اکبر صفایی فراهانی - جلیل انفرادی - اسکندر رحیمی - هادی فاضلی - اسماعیل معینی عراقی - شاع الدین مشیدی - هادی بنده خدا لنگرودی - عباس دانش بهزادی - محمدعلی محدث قندچی - غفور حسن پور - هوشنگ نیری - ناصر صیف دلیل صفایی - صبا بیژن زاده - بهنام امیری دوان - عبدالرضا کلاتر نسانکی - احمد غلامیان لنگرودی (هادی) - محمدرضا بهکیش - نظام - حمید آزادی - عباس - جعفر پنجم شاهی - محمدعلی معتقد - جواد غفوریان - جلیل خواروی نسب - سعید عقیقی - علی خلیقی - عبدالرحیم سبوری - تیمور ستاری - منصور سعیدی - اقبال طاهرخو - بهاء الدین نگهداری - خسرو قره داغی - سیروس فردوس - ناصر نجم الدینی - مجتبی خرم آبادی - منصوره حبیبی زاده - طی سالهای ۴۹ تا کنون در مبارزه علیه امپریالیسم و ارتجاع، در مبارزه علیه رژیمهای شاه و خمینی و برای تحقق دموکراسی و سوسیالیسم به شهادت رسیدند.